اعرف الحق تعرف اهله

۲۱

سلسله پژوهش های اعتقادی

اهل بیت (ع) در نهج البلاغه

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت (ع) در نهج البلاغه المجلد ۲۱

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ –

عنوان قراردادی: اهل‌البیت علیهم‌السلام فی نهج‌البلاغه. فارسی.

نهج‌البلاغه. فارسی – عربی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: اهل‌بیت علیهم‌السلام در نهج‌البلاغه/ علی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.

فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۲۱.

شابک: ۹۷۸–۶۰۰–۵۳۴۸–۲۰–۰

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:.Ali Hosayni Milani. Household (A.S.) in Nahjal – balagheh

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۷] – ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خاندان نبوت

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت – ۴۰ق.. نهج‌البلاغه –– خاندان نبوت

شناسه افزوده: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت – ۴۰ق.. نهج‌البلاغه –– برگزیده

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹ /خ۱۶ح۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۵۲۴۷

سرآغاز ... ص: ۹

...آخرین و کامل‌ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۱

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۵

اهل بیت علیهم السلام در نهج‌البلاغه ... ص: ۱۵

الحمد للّٰه ربّ العالمین، والصّلاهٔ والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله
الطّیبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۵

کتابی که فراروی شماست به مناسبت هزاره سیّد رضی رحمه اللَّه نوشته شده، این کتاب پژوهشی گذرا در نهج البلاغه برای شناخت «اهل بیت و خاندان پیامبر علیهم السلام» است؛ آن گونه که سرسلسله اهل بیت بعد از رسول اللَّه، امیر مؤمنان علی علیه السلام آنان را معرّفی و وصف کرده است.

نهج البلاغه شریف رضی رحمه اللَّه و هر چه در آن آمده است، در واقع گزینشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و سخنان دُرربار آن

بزرگوار است که دربردارنده آموزه‌ها، اندیشه‌ها، و نظریه‌های آن حضرت در امور گوناگون است.

تردید در انتساب کتاب نهج البلاغه به شریف رضی رحمه اللّه، یا در

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۶

انتساب این سخنان بلند مرتبه به حضرت علی علیه السلام، مانند تردید در وجود خود امام و شریف رضی خواهد بود.

بر ما لازم است تا برای شناخت جایگاه و منزلت والای «اهل بیت» علیهم السلام به نهج البلاغه مراجعه نماییم؛ زیرا امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی اللّه علیه وآله سرور اهل بیت و داناترین مردم نسبت به مقامات و حالات آنان بوده؛ ضمن این که کلام او درباره اشخاص عین حقیقت و مطابق واقع است.

نام و یاد اهل بیت علیهم السلام به انگیزه‌های گوناگونی در موارد فراوانی از نهج البلاغه آمده است. حضرت علی علیه السلام در بیشتر موارد به شیوه‌های گوناگون بر برتری همه جانبه «أهل البیت» نزد خدای بزرگ به گواهی آیات قرآن مجید و احادیث قطعی پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله، و نیز به این که خدا آن‌ها را به جهت هدایت و رهبری امّت نصب نموده، اشاره می‌فرمایند.

هنگامی که به آن ویژگی‌ها و معانی آن‌ها دقت کنیم و به دلیل‌های آن‌ها از قرآن کریم و روایات مراجعه نماییم، درمی‌یابیم که افرادی که مسلمانان بر عدم عصمت آن‌ها اجماع دارند، تحت عنوان «آل النبی» و «اهل بیت» یا «عترت پیامبر» داخل نمی‌توانند باشند.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۹

بخش یکم آفرینش اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۱۹

عدم سنجش کسی از امّت با مرتبه و مقام اهل بیت ... ص: ۱۹

علیهم السلام

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید:

لا یقاس بآل محمّد من هذه الأُمّة أحد ولا یسوّی بهم من جرت نعمتهم علیه أبداً؛ «۱»

هیچ کس با مرتبه و مقام خاندان پیامبر از امّت اسلامی سنجیده نمی‌شود و هیچ‌گاه کسانی که خود مشمول نعمت‌های اهل بیت هستند، با خود آنان برابر نمی‌شوند.

این عبارت شامل گفتاری همه جانبه است و آن چه می‌فرماید: «و هیچ کس از این امّت با خاندان محمد سنجش نمی‌شود»؛ یعنی: در تمام رتبه‌ها و داشته‌ها؛

منظور از «از این امّت»؛ یعنی: و از دیگر امّت‌ها نیز کسی با شما

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۰

سنجش نمی‌شود؛ و این به دلیل اولویّت امّت اسلامی بر دیگر امّت‌هاست؛ زیرا قرآن، امّت اسلامی را از تمام امّت‌ها برتر می‌داند، آن جا که می‌فرماید:

«کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»؛ «۱»

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید.

و منظور از «أحداً»: هر کس که باشد.

معنای «و برابری نمی‌کند با آن‌ها»: ... گرچه در ظاهر برتری داده شد، ولی به صورت قطعی برتری داده نخواهد شد.

«کسانی که مشمول نعمت‌های آن بزرگواران شده‌اند»، نعمت در این گفتار، شامل همه نعمت‌هاست.

«هرگز» نفی و انکار همیشگی است، یا این که هر نعمتی که بوده و خواهد بود تا همیشه زمان از اهل بیت علیهم السلام جاری خواهد بود.

این معنای بسیار دقیق و ظریف است که در ادامه برخی از موارد آن را توضیح خواهیم داد. «۲» امیر مؤمنان علی علیه السلام با این گفتار باب برتری‌جویی بین پیامبران بزرگ الاهی و هم‌چنین فرشتگان بلند مرتبه خداوند را با

---

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۱۰

(۲). ر. ك: ص ۶۱ از همین کتاب

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۱

اهل بیت علیهم السلام به طور کامل می‌بندد تا چه رسد به سنجش آنان با اصحاب رسول و فرستاده پروردگار جهانیان.

یکی از پژوهش‌گران سنّی، نیکو و دادگرانه سخن گفته، آن جا که گوید:

هر کس یکی از اصحاب پیامبر را بر دیگر اصحاب برتری دهد، منظور او به یقین برتری دادن بر علی نیست؛ زیرا علی از اهل بیت پیامبر است.

پس برترین آفریدگان بعد از حضرت محمّد صلی اللَّه علیه وآله خاندان او هستند، و این، همان واقعیّت و حقیقت است؛ زیرا آنان مانند پیامبر بر تمامی پیامبران الاهی برتری جستند و آنان مهتر آفریدگان در آفرینش، اخلاق و کمالات هستند.

چرا در آفرینش برترند؟ زیرا با پیامبر از یک نور و از یک ریشه و درخت آفریده شدند؛ همان گونه که از روایت‌های فراوان مورد اتّفاق همگان برمی‌آید:

آفرینش نوری اهل بیت ... ص: ۲۱

احمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از زهری از خالد بن معدان از زاذان این گونه روایت می‌کند که سلمان گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۲

کنت أنا وعلی بن أبی طالب نوراً بین یدی اللَّه تعالی قبل أن یخلق آدم بأربعهٔ آلاف عام، فلمّا خلق آدم قسّم ذلك النور جزءین؛ جزء أنا وجزء علی؛ «۱»

من و علی بن ابی‌طالب چهار هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در پیشگاه خداوند بودیم، پس هنگامی که آدم آفریده شد، آن نور را دو بخش کرد: بخشی من شدم و بخشی دیگر علی.

روایت دیگری را در این زمینه گنجی از خطیب بغدادی و ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده‌اند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

خلق اللَّه قضیباً من نور قبل أن یخلق الدنیا بأربعین ألف عام، فجعله أمام العرش، حتّی كان أوّل مبعثی، فشقّ منه نصفاً فخلق منه نبیّکم، والنصف الآخر علی بن أبی طالب؛ «۲»

خداوند چهل هزار سال پیش از آفرینش دنیا شاخه‌ای از نور آفرید و آن را پیشاپیش عرش خود قرار داد تا این که ابتدای مبعث من

شد.

پس نیمی از آن را جدا نمود و پیامبر شما را از آن آفرید و از نیمه دیگر نیز علی را.

---

(۱). تذکرهٔ خواصّ الامّه: ۴۶، الریاض النضره: ۲/ ۲۱۷

(۲). کفایهٔ الطالب: ۳۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۳

حاکم نیشابوری حدیث دیگری را از جابر بن عبداللَّه روایت کرده است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به علی علیه السلام می‌فرمود:

یا علی! الناس من شجر شتّی وأنا وأنت من شجرهٔ واحدهٔ؛

ای علی! تمامی مردم از ریشه‌ها و اصل‌های گوناگون هستند؛ ولی من و تو از یک ریشه و درخت هستیم.

آن گاه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله این آیه را خواندند:

«وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَزَرْعٌ وَنَخیلٌ صِنْوانٌ وَغَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقی بِماءٍ واحِدٍ»؛ «۱»

و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از ریشه‌های گوناگون که با یک آب سیراب می‌شوند.

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می گوید:

این حدیث از نظر سند کاملًا درست است. «۲»

یگانگی تبار ... ص: ۲۳

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله و امیر مؤمنان علی علیه السلام از یک ریشه و تبارند.

---

(۱). سوره رعد: آیه ۴

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۲/ ۲۴۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۴

در این باره گنجی حدیثی را از طبرانی و ابن عساکر حدیثی را از ابوامامه باهلی نقل می‌کنند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّ اللَّه خلق الأنبیاء من شجر شتّی وخلقنی وعلیّاً من شجرهٔ واحدهٔ، فأنا أصلها، وعلی فرعها، وفاطمهٔ لقاحها، والحسن والحسین ثمرها؛ فمن تعلّق بغصن من أغصانها نجا، ومن زاغ عنها هوی، ولو أنّ عبداً عَبَدَ اللَّه بین الصفا والمروهٔ ألف عام ثمّ ألف عام، ثمّ لم یدرک محبّتنا أکبه اللَّه علی منخریه فی النار؛

خداوند تمام پیامبران را از ریشه‌ها و درختان گوناگونی آفرید و من و علی را از یک درخت. پس من ریشه آن درخت هستم، علی شاخه آن، فاطمه بارورساز آن، حسن و حسین میوه آن درخت هستند.

پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن درآویزد، رستگار شود و هر کس از آن منحرف گردد، به هلاکت می‌رسد و اگر بنده‌ای هزار سال بین صفا و مروه خداوند را پرستش نماید و هزار سال دیگر نیز همین گونه باشد؛ ولی دوستی ما را درک ننماید، خداوند او را با رو در آتش اندازد.

آن گاه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله این آیه را قرائت فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۵

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»؛ «۱»

[به مسلمانان] بگو: از شما هیچ اجر و پاداشی نمی‌خواهم مگر مهرورزی به خاندانم. «۲»

بهترین خاندان و برترین قبیله ... ص: ۲۵

خاندان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله بهترین خاندان و تیره و قبیله آن حضرت، برترین قبیله و تیره‌هاست. حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام به این مورد اشاره کردند و فرمودند:

عترته خیر العِتَر، واسرته خیر الاسر، وشجرته خیر الشجر، نبتت فی حرم، وبسقت فی کرم، لها فروع طوال، وثمر لا ینال؛ «۳»

خانـدان نزدیک او بهترین خانـدان‌ها و قبیله او بهترین قبیله‌ها، درخت وجود و ریشه‌های هستی‌اش بهترین درخت‌هاست که در حرم [کبریا و عظمت] روییده است و در بستان بزرگی و مهتری بالیده است، شاخه‌های بسیار بلند دارد و میوه‌هایی که دست [فرومایگان] به آن نمی‌رسد.

---

(۱). سوره شوری: آیه ۲۳

(۲). کفایهٔ الطالب: ۲۲۰

(۳). نهج البلاغه: ۱۳۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۶

آن حضرت در جای دیگری فرموده است:

اسرته خیر اسرهٔ، وشجرته خیر شجرهٔ، أغصانها معتدلهٔ، وثمارها متهدّلهٔ؛ «۱»

قبیله و تبارش بهترین قبیله و درختش بهترین درخت است، شاخه‌های این درخت موزون و میوه‌هایش در دسترس [شایستگان] است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی دیگر فرموده است:

نحن شجرهٔ النبوّهٔ؛ «۲»

ما درخت پیامبری هستیم.

پاره‌ای از وجود شریف ... ص: ۲۶

خانـدان پیـامبر جزئی از وجود پیامبر خـدا صـلی اللَّه علیه وآله هسـتند؛ در روایتی که مورد قبول همگان است، آمـده است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علی منّی وأنا منه؛ «۳»

علی از من است و من از علی.

---

(۱). نهج البلاغه: ۲۲۹

(۲). همان: ۱۶۲

(۳). این حدیث ارزشمند را تمام صحیح نگاران و مسند نویسان اهل سنّت و بزرگان دیگر مانند: احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه، نسائی، طبرانی، بغوی و دیگران نقل کرده‌اند

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۷

رسول اکرم صلی اللّه علیه وآله در حدیث دیگری فرمودند:

فاطمهٔ بضعهٔ منّی، فمن أغضبها أغضبنی؛ «۱»

فاطمه پاره‌ای از تن من است، پس هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین کرده است.

آری، حافظ سهیلی «۲» با استناد و پشتوانه این حدیث گفته است که فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر برتر است؛ «۳» زیرا که او جزئی از پیامبر است.

حافظ بیهقی «۴» نیز این گونه گفته است:

تردیدی نیست که دو فرزندشان و امامان از فرزندان امام حسین علیهم السلام جزء و پاره‌ای از آن دو هستند. پس آنان پاره‌ای از تن پیامبر گرامی هستند. «۵»

---

(۱). این حدیث را تمامی صحیح نویسان و مسند نویسان و در رأس آن‌ها بخاری نگارنده صحیح معروف، آورده‌اند

(۲). سهیلی شرح دهنده سیره و تاریخ پیامبر از بزرگان و پژوهش‌گران مهم اهل سنّت‌است که در سال ۵۸۱ هجری درگذشته است

(۳). این سخن سهیلی را علّامه مناوی در فیض القدیر: ج ۴، ص ۴۲۱ آورده است

(۴). بیهقی از بزرگان فقه و روایت اهل سنّت است که در سال ۴۵۸ هجری درگذشته است

(۵). این سخن را علامه عجیلی در ذخیرهٔ المآل- که تصویری از نسخه آن در اختیار ماست- آورده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۲۸

فراتر این که «خاندان محمد» خود پیامبر هستند؛ زیرا که حضرت علی علیه السلام به دلیل آیه مباهله «۱» خود اوست. از طرفی پیامبر فرزندش حسن علیه السلام را این گونه مورد سخن قرار می‌داد:

وجدتک بعضی بل وجدتک کلّی؛ «۲»

تو را جزئی از خود یافتم؛ بلکه تو را تمام خود می‌بینم.

البته امام حسین و امامان از فرزندانش علیهم السلام نیز این گونه هستند.

---

(۱). ر. ک: کتاب آیه مباهله از همین نگارنده

(۲). نهج البلاغه: ۳۹۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۱

بخش دوم اخلاق وخوی‌های پسندیده اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۳۱

پرورش یافتگان نبوّت ... ص: ۳۱

اهل بیت علیهم السلام در اخلاق و خوی‌های پسندیده به سان پیامبر هستند. پس تمامی خوی‌های پسندیده پیامبر و برتری‌های اخلاقی آن حضرت، در آل محمّد علیهم السلام است؛ زیرا آنان همان گونه که گذشت، از یک ریشه هستند و علاوه بر این، آنان در دامان پرمهر او پرورش یافتند و از پیشگاه او علم و معرفت آموختند.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أنا وضعت فی الصغر بكلاكل العرب، وكسرت نواجم قرون ربيعة ومضر، وقد علمتم موضعی من رسول اللَّه صلّی اللَّه عليه وآله بالقرابة القريبة والمنزلة الخصيصة، وضعنی فی حجره وأنا ولد، يضمّنی إلی صدره ويكنفنی فی فراشه، ويمسّنی جسده، ويشمّنی عرفه، وكان يمضغ الشیء ثمّ يلقمنيه، وما وجد لی كذبة فی قول، ولا خطلة فی فعل؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۲

من در نوجوانی و خردی بزرگان عرب را پست کرده و به خاک درانداختم و شاخ‌های برون آمده و سرکردگان مخالف و شورشی دو قبیله ربیعه و مضر را شکستم و شما جایگاه نزدیک و رتبه و مقام بلند مرا، نزد پیامبر می‌دانید، آن گاه که کودک بودم مرا در دامان خود می‌نهاد، مرا در آغوش می‌کشید و به سینه می‌چسباند و با احترام در بستر خود می‌خوابانید، تن خویش را به بدن من، می‌سود و بوی عطر دلاویز خود را به من می‌بویاند. غذا را ابتدا می‌جوید و آن را به من می‌خورانید و هیچ گاه دروغی در گفتارم و اشتباهی در کردار و منش من نیافت.

فرشته اعظم ... ص: ۳۲

آن گاه حضرتش می‌فرماید:

ولقد قرن اللَّه به صلّی اللَّه عليه وآله من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته، يسلك به طريق المكارم ومحاسن أخلاق العالم، ليله ونهاره.

ولقد كنت أتّبعه اتّباع الفصيل أثَرَ اُمّه، يرفع لی فی كلّ يوم من أخلاقه علماً ويأمرنی بالإقتداء به؛

خداوند از هنگامی که پیامبر از شیر گرفته شد، بزرگ‌ترین فرشته

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۳

خود را شب و روز همنشین او فرمود تا راه‌های بزرگواری را بپیماید و تمامی خوی‌های پسندیده و نیکوی جهان را فراهم نماید و من همواره پیرو او بودم؛ آن گونه که بچه شتر شیرخوار از مادرش پیروی می‌نماید، هر روز برای من از بهترین خوی‌ها پرچمی برمی‌افراشت و مرا به پیروی از آن، امر می‌فرمود.

خلوت در حراء ... ص: ۳۳

آن گاه به فضیلت دیگری از خود اشاره می‌کند و می‌فرماید:

ولقد كان يجاور فی كلّ سنة بحِراء، فأراه ولا يراه غيری، ولم يجمع بيت واحد يومئذٍ فی الإسلام غير رسول اللَّه صلّی اللَّه عليه وآله وخديجة وأنا ثالثهما، أری نور الوحی والرسالة وأشمّ ريح النبوّة.

ولقد سمعت رنّة الشيطان حين نزل الوحی عليه صلّی اللَّه عليه وآله، فقلت: يا رسول اللَّه ما هذه الرنّة؟

فقال: هذا الشيطان قد أيس من عبادته، إنّك تسمع ما أسمع وتری ما أری، إلّاأنّك لست بنبیّ، ولكنّك لوزير، وإنّك لَعَلی خير؛

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله هر سال در حراء خلوت می‌گزید و تنها

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۴

من او را می‌دیدم، نه دیگری. در آن روزگار، اسلام در هیچ خانه‌ای برقرار نگشته بود مگر خانه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله و خدیجه علیها السلام و من که سومین نفر آنان بودم، نور و روشنایی وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوّت را حس می‌کردم.

به راستی من صدای وحشت‌زده شیطان را در زمان فرود آمدن وحی بر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله می‌شنیدم. پرسیدم: ای پیامبر خدا! این صدای وحشت‌زده چیست؟

فرمود: این شیطان است، از این که او را نپرستند نومید و نگران است.

همانـا تو می‌شـنوی، آن چه را من می‌شـنوم و می‌بینی و درک می کنی آن چه را من می‌بینم و می‌یـابم؛ فقـط تو پیـامبر نیسـتی، بلکه وزیر و جایگزین من هستی و همواره بر مسیر درست و عافیت پیش می‌روی...

برتری دیگر ... ص: ۳۴

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به برتری دیگری از خود اشاره می کند و می‌فرماید:

...وإنّی لمن قوم لا تأخذهم فی اللّه لومهٔ لائم، سیماهم سیما الصدّیقین، وکلامهم کلام الأبرار، عمّار اللیل ومنار النهار، مستمسکون بحبل اللّه، یحیون سنن اللّه وسنن رسوله،

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۵

لا یستکبرون ولا یعلون، ولا یغلون ولا یفسدون، قلوبهم فی الجنان وأجسادهم فی العمل؛ «۱»

و من از مردمانی هسـتم که در راه خـدا سـرزنشِ سـرزنش گران و نکوهندگان آن‌ها را در برنمی گیرد؛ همان‌هایی که چهره‌هایشان چهره‌هـای راسـتگویان راست کردار است و گفتارشـان گفتـار نیکوکـاران. آنان آبادگران و زنـده داران شب و نشانه‌ها و راهنمایان روز و چنگ زنندگان در ریسمان خدا هستند. آنان همواره سنّت‌ها و روش‌های خداوند و پیامبرش را زنده نگه می‌دارند و هیچ گاه گردن کشـی و گناه نمی‌نمایند و برتری جویی ندارند؛ نه خیانت کارند و نه تباه کار و نه فسادکار. دل‌هایشان در بهشت‌های برین و بدن‌هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

پیشوایان بعد از پیامبر ... ص: ۳۵

در این گفتار امیر مؤمنان علی علیه السلام بر نکته بسیار مهمّی تأکید می‌نماید و می‌فرماید:

کسـی که در تمامی کارها و مقام‌های پیامبری جایگزین و جانشـین مرتبه پیامبر صـلی اللّه علیه وآله است باید والاترین کسانی باشد که به وسیله

---

(۱). نهج البلاغه: ۳۰۰ و ۳۰۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۶

او به علم و آگاهی و ادب و تربیت الاهی رسیده‌اند.

آن گاه حضـرتش تأکید می کند که تنها دارنده این خصوصـیات و ویژگی‌ها خود اوست و هر علم و دانشـی را که پیامبر خدا صـلی اللّه علیه وآله آموزش می‌داد و اجـازه آموختن آن را می‌داد و هر خوی و خصـلت نیکویی که آن حضـرت بر آن رفتـار می‌نمود، به تمامی دریافت نموده و آموخته است؛ تا آن جا که شایسـتگی یافته تا آن چه را او می‌شـنود، بشـنود و آن چه را او می‌بیند و دریافت می‌دارد، او نیز دریافت بـدارد و ببینـد و اگر پایان یافتن پیامبری به حضـرت محمد صـلی اللّه علیه وآله نبود، همو پیامبر بعد از ایشان بود. از این رو پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله مقام پیامبری را جدا نموده و می‌فرماید:

إلّا أنّک لست بنبی، ولکنّک لوزیر؛

مگر این که تو پیامبر نیستی و وزیر و جایگزین من هستی.

این سخن والا رمز و اشاره‌ای به گفتار موسی علیه السلام است که خداوند سخن او را حکایت می کند که به خدا عرضه داشت:

«وَاجْعَل لِّی وَزِیراً مِّنْ أَهْلِی* هَارُونَ أَخِی»؛ «۱»

و برای من در خاندانم وزیر و دستیاری قرار بده، همان هارون برادرم را.

(۱). سوره طه: آیه ۲۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۷

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در سخنی به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

اما ترضی أن تکون منّی بمنزلة هارون من موسی إلّاأنّه لا نبیّ بعدی؛ «۱»

آیا نمی‌خواهی که جایگاه تو از من، به مانند جایگاه هارون از موسی باشد مگر این که پیامبری بعد از من نیست؟

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به قسمتی از ویژگی‌ها و امتیازات معنوی خاندان پیامبر که خداوند به آن‌ها اختصاص داده است، اشاره نموده و می‌فرماید:

وإنّی لمن قوم لا تأخذهم؛...

و همانا من از گروهی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنش گری نمی‌ترسند.

آن حضرت در این گفتار مقام و مرتبه‌ای را بر آنان بیان می‌دارد که

(۱). این همان حدیث «منزلت» است که همگان با تواتر آن را روایت نموده‌اند و بر صحّت آن اتّفاق نظر دارند و تمامی صحیح نگاران، مسند نویسان و صاحبان سنن و معجم و دیگر محدثان در تمامی سده‌های گذشته آن را با سند کامل آورده‌اند و از قوی‌ترین و استوارترین حجّت‌ها بر امامت بلافاصله امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌باشد. گفتنی است که پژوهشی جداگانه در این باره با عنوان نگاهی به حدیث منزلت در ضمن سلسله پژوهش‌های اعتقادی چاپ شده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۸

عقل بشر معمولی آن را درنمی‌یابد؛ آن جا که می‌فرماید:

قلوبهم فی الجنان وأجسادهم فی العمل؛

دل‌هایشان در بهشت‌های برین و بدن‌هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

جایگاه رازِ پیامبر خدا و گنجینه علوم ... ص: ۳۸

به راستی والاترین و برترین مطالبی که اهل بیت علیهم السلام از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله گرفته‌اند، همان دانش‌ها، آموزه‌های بلند الاهی، شناخت‌ها و رازهای الاهی است که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام آن‌ها را تکرار و بازگو می‌نماید و افتخار و سربلندی خود را به آن‌ها آشکارا سر می‌دهد. و آشکارا به آن می‌نازد و می‌فرماید:

هم موضع سرّه، ولجأ أمره، وعیبة علمه، وموئل حکمه، وکهوف کتبه، وجبال دینه. بهم أقام انحناء ظهره، وأذهب ارتعاد فرائصه؛ «۱»

آنان جایگاه راز و علوم ناگفتنی و نهانی پیامبر، پشتیبان و نگهبان دستورات پیامبر، گنجینه تمامی دانش‌های او، سرچشمه سخنان استوار و حکمت (و احکام شرعی و نظر صواب) او و امان و نگهدارنده کتاب‌ها و بیّنات او و کوه‌های برافراشته دین برحق او

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۳۹

هستند. به وسیله آنان پشت خمیده اسلام استوار و ثابت و پابرجا گردید و لرزش ارکان در خطر افتاده آن از میان رفت.

در این عبارت تمامی ضمیرها به خداوند، یا به پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله بازگشت می‌نماید، مگر ضمیر واژگان «ظهره: پشت او» و «فرائصه:

ارکان او» که به دین اسلام برگشت می‌نمایند.

منظور از «سرّ و راز» در این گفتار، دانش‌هایی است که هیچ کس جز آنان نمی‌تواند آن‌ها را فرا گیرد و کلمه «امر» بدین معناست که هر آن چه مردم برای دین و دنیای خود بدان نیازمندند، پس امامان، همان پشتیبان و پناه در آن دین هستند، خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ»؛ «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و اطاعت کنید پیامبر و اولی الأمر خود را.

امیر مؤمنان علی علیه السلام خود با استدلال به این آیه کریمه در گفتاری که خواهد آمد به این معنا اشاره فرموده‌اند.

سخن دیگر درباره «عیبهٔ امره» است که منظور از آن این است که امامان، مخزن و ظرف‌های دانش الاهی هستند که خداوند به پیامبر سپرد.

---

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۰

حضرت علی علیه السلام در این گفتار به همان معنا اشاره کردند و فرمودند:

...علم الغیب الّذی لا یعلمه أحد إلّااللّه، وما سوی ذلک فعلم علّمه اللّه نبیّه فعلمنیه، ودعالی بأن یعیه صدری وتَضطَمَّ علیه جوانحی؛

...دانش نهانی و غیبی را که فقط خداوند می‌داند و به غیر از آن، تمام دانش‌هایی که خداوند به پیامبر آموخت، به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من، آن را تحمّل نماید و دلم آن را در برگیرد و به خود بپذیرد.

البته در این زمینه روایات دیگری نیز آمده است که کلینی رحمه اللّه برخی از آن‌ها را نقل کرده است. «۱» واژه دیگری که در این فراز به توضیح نیاز دارد، واژه «حکم» است. منظور از آن، یا تمامی احکام شرعی یا قضاوت و داوری است. از تمامی یاران پیامبر صلی اللّه علیه وآله به صورت متواتر و بسیار زیاد روایت شده که گفته‌اند:

أقضانا علی؛ «۲»

علی از همه ما در قضاوت و داوری بالاتر است.

---

(۱). الکافی: ۱/ ۲۵۶

(۲). الریاض النضره: ۲/ ۱۹۸، فتح الباری: ۸/ ۱۳۶، تاریخ الخلفاء: ۱۱۵، الاستیعاب: ۳/ ۴۰، حلیهٔ الاولیاء: ۱/ ۶۵ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۱

البته روایت‌های بسیاری از اهل بیت علیهم السلام رسیده که از بردن داوری به نزد غیر او باز داشته‌اند که برخی از این روایات را شیخ حرّ عاملی رحمه اللّه در کتاب وسائل الشیعه آورده است. «۱»

دانش اهل بیت علیهم السلام و کتاب‌های آسمانی ... ص: ۴۱

کلمه مورد توجه دیگر در این فراز «کتبه؛ کتاب‌هایش» است. در صورتی که ضمیر این واژه به خداوند بازگشت نماید، منظور

تمامی کتاب‌های آسمانی خواهد بود و اگر بازگشت ضمیر آن، به پیامبر باشد، منظور از آن، قرآن، سنّت و دیگر نهاده‌های پیامبر خواهد بود.

روشن است که اهل بیت علیهم السلام اهل و صاحبان دانش قرآن و مرجع تمامی دانش‌های قرآنی هستند و این علوم از آنان آموخته شده و سرچشمه گرفته است و از آنان در تمامی جهان اسلام گسترش پیداکرده است. برای نمونه عبداللَّه بن عباس و نظایر او که دانش‌های گوناگون قرآن در آنان به انتها می‌رسد، و ظاهراً همگان از آنان فرا گرفته‌اند، همگی آنان شاگردان امیر مؤنان علی علیه السلام هستند.

درباره دیگر کتاب‌های آسمانی نیز روایت‌های بسیاری داریم که دانش آن‌ها نزد اهل بیت علیهم السلام است که برخی از آن‌ها را شیخ

---

(۱). وسائل الشیعه: ۱۸/ ۲- ۵

کلینی رحمه اللَّه در کتاب شریف کافی آورده است. «۱» در روایت دیگری آمده که امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن سخنرانی فرمودند:

سلونی قبل أن تفقدونی، فأنا عیبهٔ رسول اللَّه، وأنا فقأت عین الفتنهٔ بباطنها وظاهرها، سلوا مَن عنده علم المنایا والبلایا والوصایا وفصل الخطاب، سلونی فأنا یعسوب المؤمنین حقّاً، وما من فئهٔ تهدی مائهٔ أو تضلّ مائهٔ إلّاوقد أتیت بقائدها وسائقها.

والّذی نفسی بیده، لوطوی لی الوسادهٔ فأجلس علیها لقضیت بین أهل التوراهٔ بتوراتهم، ولأهل الإنجیل بإنجیلهم، ولأهل الزبور بزبورهم، ولأهل الفرقان بفرقانهم؛

از من بپرسید پیش از آن که مرا از دست دهید، پس من مخزن و گنجینه پیامبر خدا هستم و من آشکار و نهانِ چشم فتنه جنگ و اختلاف بین مسلمانان را بیرون آوردم و از جای کَندم و تمام ریشه‌های آشکار و نهانِ فتنه را از بین بردم، از کسی که تمام دانش مرگ و میرها و تمام مصیبت‌ها و وقایع و وصیّت‌ها و دانش قرآن و سخن راستین را می‌داند، بپرسید.

---

(۱). الکافی: ۱/ ۲۲۳- ۲۲۷

بپرسید از من که من سَرِوَر واقعی تمام مؤمنان (سردسته مؤمنان) هستم و هیچ گروهی (اشخاصی) نیستند که صد نفر را هدایت یا گمراه نمایند مگر این که با رئیس و راهنمایشان محشور شوند.

سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست، اگر مسند و مقام داوری و قضاوت را برای من مهیا می‌نمودند و بر آن قرار می‌گرفتم؛ آن گاه بین یهودیان به توراتشان، بین مسیحیان به انجیلشان، بین زبوریان به زبورشان و بین مسلمانان به قرآن‌شان داوری می‌نمودم.

در این هنگام «ابن کوا» به پا خاست و به امیر مؤمنان علی علیه السلام رو کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! از خودت و مقام خود برای من بگو!

حضرت فرمودند:

ویلک! أترید أن ازکّی نفسی وقد نهی اللَّه عن ذلک؟! مع أنّی کنت إذا سألت رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه وآله أعطانی، وإذا سکت ابتدأنی، وبین الجوانح منّی علم جمّ، ونحن أهل البیت لا نقاس بأحد؛ «۱»

وای بر تو! آیا می‌خواهی خود را پاك و منزّه بشمارم در حالی که خداوند از چنین کاری بازداشته است؟ با این که هر گاه از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله سؤالی می کردم، جواب می‌فرمودند

(۱). شرح نهج البلاغه خوئی: ۲/ ۳۲۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۴

و هر گاه سکوت اختیار می‌نمودم، ایشان شروع به سخن می‌نمودند.

در سینه من علم جمّ (فراوانی) وجود دارد و ما خاندان با هیچ کس سنجش نمی‌شویم.

عبارت دیگری که به بیان نیاز دارد، عبارت «جبال دینه؛ کوه‌های استوار دینش» است. منظور از این عبارت، ماندگاری، پایداری و پایندگی دین به ماندگاری و پایندگی اهل بیت علیهم السلام است که در این باره سخنی بیان خواهد شد.

اهل بیت علیهم السلام و زنده کنندگان دانش ... ص: ۴۴

امیر مؤمنان علی علیه السلام در فراز دیگری به علوم سرشار اهل بیت علیهم السلام اشاره می کنند و می‌فرمایند:

هم عیش العلم وموت الجهل، یخبرکم حلمهم عن علمهم، وظاهرهم عن باطنهم، وصمتهم عن حکم منطقهم، لا یُخالفون الحقّ ولا یختلفون فیه، وهم دعائم الإسلام وولائج الإعتصام، بهم عاد الحقّ إلی نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته، عقلوا الدین عقل وعایهٔ ورعایهٔ، لا عقل سماع وروایهٔ، فإنّ رواهٔ العلم کثیر ورعاته قلیل؛ «۱»

(۱). نهج البلاغه: ۳۵۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۵

آنان زنده کننده دانایی، نابودکننده جهل و نادانی هستند، بردباریشان از دانائیشان خبر می‌دهد و نمود و ظاهرشان از نهان و باطنشان، و خاموشی‌شان از راستی و درستی گفتارشان شما را آگاه می‌سازد.

هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده‌اند و در آن، ناسازگاری پیدا نمی‌نمایند. آنان ستون‌های اسلام و پناه‌گاه‌های محکمِ آن هستند. به واسطه آنان حق به اصل و ریشه واقعی خویش باز می گردد و باطل و ناراستی از جایگاهش دور و نابود می گردد و زبانش از ریشه کنده می‌شود.

آنان دین را شناختند؛ شناختی که از نهایت دانایی و رعایت و عمل نمودن است، نه فقط شناختی که از شنیدن و نقل کردن باشد؛ زیرا که راویان دانش بسیارند و مجریان و رعایت کنندگانش اندك.

در این عبارت می‌فرماید: «هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده و در آن ناسازگاری پیدا نمی‌نمایند»، که این سخن به حجّت بودن گفتار یکی از معصومین علیهم السلام اشاره دارد؛ تا چه رسد به همگی آنان. در روایتی آمده که امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

نحن فی العلم والشجاعهٔ سواء؛ «۱»

ما خاندان پیامبر همگی در دانش و شجاعت برابر هستیم.

(۱). الکافی: ۱/ ۲۷۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۶

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام درباره پیامبر، امیر مؤمنان و امامان از فرزندان ایشان می‌فرماید:

حجّتهم واحدهٔ وطاعتهم واحدهٔ؛ «۱»

دلیلشان یکسان و برابر است و پیروی و فرمانبرداری آنان نیز یکسان و برابر است.

آن بزرگوار در روایت دیگری می‌فرماید:

نحن فی الأمر والفهم والحلال والحرام نجری مجری واحداً، فأمّا رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه وآله وعلی علیه السّلام فلهما فضلهما؛ ۲

ما در خلافت و رهبری، درک و فهم و دانش شریعت به یک رویه هستیم، مگر پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله و علی علیه السلام که جایگاه بلندتر و والاتری از ما دارند.

اصل و ریشه پیامبری ... ص: ۴۶

حضرت علی علیه السلام در سخن دیگری می‌فرماید:

نحن شجرهٔ النبوّهٔ، ومحطّ الرسالهٔ، ومختلف الملائکهٔ، ومعادن العلم، وینابیع الحکم؛ «۲»

---

(۱) و ۲. الکافی: ۱/ ۲۷۵

(۲). نهج البلاغه: ۱۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۷

ما از اصل و ریشه پیامبری، فرودآمدنگاه رسالت، جایگاه آمد و شد فرشتگان رحمت و سرچشمه دانش و چشمه سارهای بینش هستیم.

در این باره شیخ کلینی رحمه اللَّه در کتاب شریف کافی روایت‌های دیگری نیز از اهل بیت علیهم السلام آورده است.

آن گاه حضرتش می‌فرماید:

تاللَّه، لقد عُلِّمت تبلیغ الرسالات، وإتمام العدات، وتمام الکلمات، وعندنا- أهل البیت- أبواب الحکم وضیاء الأمر؛ «۱»

به خدا سوگند! من به روش پیام رسانی پیامبران بزرگ الاهی و انجام تمامی وعده‌ها و همه کلمات پروردگار آموخته شدم و نزد ما خاندان پیامبر درهای حکمت و سخن استوار و نغز، و روشنی تمام کارها و حکومت دنیا و جهان آخرت است.

یعنی این که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله تمام آن چه را می‌دانسته به علی علیه السلام آموزش داده است. پس ایشان پایه ورکن دین اسلام و جایگاه تمامی دانش‌های پیامبر بوده‌اند، پس ناگزیر چگونگی نگهبانی و رساندن دین و راه آموزش دانش آن را می‌دانسته است؛ چرا که برای زمان‌های گوناگون، ملّت‌ها، افراد مختلف و مکان‌های متفاوت فرق دارد و هیچ کس نباید بر ایشان در انجام هر کاری، یا ترک کاری، یا گفتار

---

(۱). همان: ۱۷۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۸

و سکوتی ایراد بگیرد.

از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله حقیقت وعده‌هایی را که بین خداوند و پیامبران و فرستادگان بزرگوارش به بندگان بوده است؛ هم‌چنین چگونگی برآورده کردن و به پایان رساندن آن را به او آموزش داده است.

به سخن دیگر، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله تمام وعده‌هایی را که به مردم داده بود و چگونگی برآوردن آن‌ها را بعد از او، به

علی علیه السلام یاد داد؛ زیرا او جانشین به حق و برآورنده وعده‌ها و قرارهای پیامبر بوده است، همان گونه که در روایت‌های شیعه و سنّی آمده است.

از سوی دیگر، پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله کلمه‌هایی را که بین خداوند و پیامبرانش بوده و پایان یافتن آن‌ها را به حضرت علی علیه السلام آموزش داده است که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقاً وَعَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِهِ»؛ «۱»

و کلام پروردگار تو- یعنی قرآن- به راستی و عدل و داد به حدّ کمال و تمام رسید؛ هیچ کس نمی‌تواند سخنان او را دگرگون سازد.

شاید منظور از کلمه‌ها، مطالبی غیر از کتاب‌های آسمانی و نوشته‌های الاهی باشد.

---

(۱). سوره انعام: آیه ۱۱۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۴۹

اگر واژه «حکم» در عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام- با حاء مضموم و کاف ساکن باشد- به معنای قضاوت و داوری است. پس اهل بیت علیهم السلام در داوری‌هایشان، راهنمایی‌هایی از جانب خداوند به آنان می‌شود که برای غیر از ایشان هیچ گاه چنین نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَیْکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاکَ اللّٰهُ»؛ «۱»

همانا این کتاب را به راستی و درستی سوی تو فرو فرستادیم تا میان مردم به آن چه خداوند تو را بنمود، حکم کنی.

یا منظور از حکم، تمام دستورات الاهی است.

و اگر واژه «حکم» - با حاء کسره‌دار و کاف مفتوح باشد- جمع حکمت- به معنای سخنان استوار و محکم خواهد بود.

و کلمه «أمر» به معنای سروَری و جانشینی، یا تمامی دستورات، یا تمامی کارهاست. بنابراین اهل بیت علیهم السلام با اجازه خداوند به تمام کارها آگاهند.

اهل بیت‌علیهم السلام و حقایق قرآن و سنّت ... ص: ۴۹

امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگر تأکید می‌ورزند که حقایق قرآن و سنّتِ پیامبر نزد اهل بیت علیهم السلام است و آن بزرگواران

---

(۱). سوره نساء: آیه ۱۰۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۰

به داشتن آن از دیگران شایسته‌ترند، آن جا که می‌فرماید:

إنّا لم نحکّم الرجال وإنّما حکّمنا القرآن، هذا القرآن إنّما هو خطّ مستور بین الدفتین، لا ینطق بلسان، ولا بدّ له من ترجمان، وإنّما ینطق عنه الرجال.

ولمّا دعانا القوم إلی أن نحکّم بیننا القرآن لم نکن الفریق المتولّی عن کتاب اللّٰه سبحانه وتعالی، وقد قال اللّٰه سبحانه: «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْ‌ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّٰهِ وَالرَّسُولِ»، «۱»

فردُّه إلی اللّٰه أن نحکم بکتابه، وردّه إلی الرسول أن نأخذ بسنّته. فإذا حکم بالصدق فی کتاب اللّٰه فنحن أحقّ الناس به، وإن حکم

بسنّة رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله فنحن أحقّ الناس وأولاهم بها...

فأین یُتاه بکم؟! ومن أین اتیتُم؟! «۲»

ما هیچ گاه مردان را داور قرار نـدادیم؛ بلکه تنها قرآن را به داوری پذیرفتیم، این قرآن، فقط خطی است نوشـته شده که در میان دو پوست جلد نگهداری می‌شود، زبان ندارد تا سـخن بگوید و همواره به کسی نیازمند است که آن را به سخن درآورد که تنها مردان او را به سخن وامی‌دارند.

هنگامی که شامیان از ما خواستند قرآن را داور قرار دهیم، از آن

---

(۱). سوره نساء: آیه ۶۲

(۲). نهج البلاغه: ۱۸۲

گروه نبودیم که از قرآن روی گردان باشـیم؛ چرا که خداونـد سـبحان فرموده است: «پس هر گـاه در کـاری ناسازگـاری و اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبرش بازگردانید (و از آنان نظرِ نهایی را بخواهید)».

پس بازگردانیدن کارها به خداوند این است که به کتابش داوری و حکم نماییم و برگردانیدن کارها به پیامبر این است که سنّت و آموزه‌های او را دریابیم و آن‌ها را به کار ببندیم.

پس اگر قرار باشـد به کتـاب خداونـد به راسـتی و درستی داوری شود مـا شایسـته‌ترین مردم به آن هستیم و اگر قرار باشـد به سنّت پیامبر صلی اللّه علیه وآله داوری نماییم، پس شایسته‌ترین مردم و برترین آن‌ها ما هستیم...

پس اینک بنگرید از چه راه شما را گمراه می‌نمایند؟ و چگونه بر شما راه یافتند؟

در این باره روایت‌های بسیاری از خانـدان پیامبر علیهم السلام آمـده است. شـیخ کلینی رحمه اللّه در قسـمت‌های مختلفی از کتاب شریف کافی آن‌ها را آورده است. امیر مؤمنان علی علیه السـلام تصـریح می‌کنـد که خاندان پیامبر– نه دیگران– همان «راسـخان در علم» هستند و می‌فرماید:

أین الَّذین زعموا أنّهم الراسخون فی العلم دوننا کذباً وبغیاً علینا، أن رفعنا اللّه ووضعهم، وأعطانا وحرمهم، وأدخلنا وأخرجهم؛ «۱»

---

(۱). همان: ۲۰۱

کجاینـد آنانی که به دروغ و سـتم بر ما می‌پندارند به جز ما راسـخان در علم هسـتند از آن رو که خداوند ما را برتری داد و آنان را پست و خوار گردانید و به ما همه دانش‌ها را بخشید و آنان را بی‌بهره ساخت و ما را به حریم قربش پذیرفت و آنان را بیرون کرد.

شاید آن حضرت به این آیه اشاره می‌کند که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِیَ أَنزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُّحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ »؛ «... ۱»

اوست آن خدایی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. برخی از آن آیه‌ها محکمات هستند (معنای روشن دارند) که آن‌ها رکن و پایه کتاب هسـتند و برخی دیگر متشابهات (چند پهلو و غیر روشن) هستند. پس کسانی که در دل‌های آنان کژی و گمراهی است، برای فتنه جویی و معنای نادرست و خراب کردن معنای آن، به آیه‌های غیر روشن و چنـد پهلو دست می‌اندازند (و در ظاهر از آن پیروی می‌نمایند) در حالی که معنای واقعی و حقیقی آن‌ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند...

(۱). سوره آل عمران: آیه ۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۳

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آن حضرت فرمود:

نحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تأویله؛ «۱»

ما راسخان در علم هستیم و ماییم که معنای حقیقی و واقعی آن‌ها را می‌دانیم.

روایت‌های دیگری نیز در این زمینه نقل شده است.

اهل بیت علیهم السلام و علم به غیب ... ص: ۵۳

خانـدان پیـامبر علیهم السـلام به آن چه بوده و هست آگاهنـد، مگر علمی که خداونـد آن را به خود مخصوص نموده است که هیچ کس به غیر از او، از آن آگاهی ندارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وما سوی ذلک فعلم علّمه اللَّه نبیّه فعلّمنیه، ودعا لی بأن یعیه صدری وتضطمّ علیه جوانحی؛ «۲»

دانش نهانی و غیب همان است که فقط خداوند آن را می‌داند و غیر آن تمام دانش‌هایی که خداوند به پیامبر آموخت و او نیز آن‌ها را به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من آن را تحمّل نماید و دلم آن را در بر بگیرد و به خود بپذیرد.

(۱). الکافی: ۱/ ۲۱۳، الصافی فی تفسیر القرآن: ۸۴ چاپ قدیم

(۲). نهج البلاغه: ۱۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۴

امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگری می‌فرمایند:

واللَّه، لو شـئت أن اخبر کـلّ رجل منکم بمخرجه ومولجه وجمیع شأنه لفعلت، ولکن أخاف أن تکفروا فیَّ برسول اللَّه صـلّی اللَّه علیه وآله.

ألا وإنّی مفضیه إلی الخاصّة ممّن یؤمن ذلک منه.

والّذی بعثهُ بالحقّ واصـطفاه علی الخلق، ما أنطق إلّاصادقاً، وقـد عهـد إلیَّ بـذلک کلّه، وبمهلک من یهلک، ومنجی من ینجو، ومآل هذا الأمر، وما أبقی شیئاً یمرُّ علی رأسی إلّا أفرغه فی أذنیّ وأفضی به إلیّ؛ «۱»

به خداونـد سوگنـد! اگر بخواهم می‌توانم خبر دهم هر مردی از شـما را که از کجـا آمـده است و به کجا می‌رود و تمـام کارهایش چیست! ولی می‌ترسم درباره من به باوری برسید که به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نداشتید.

پس آگاه باشید! من تمام این دانش‌ها و رازها را به یاران ویژه خود می‌رسانم و بازگو می‌نمایم.

سوگنـد به خداوندی که پیامبر را به راستی به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام آفریدگان برگزید! فقط به راستی سـخن می‌گویم و به

(۱). نهج البلاغه: ۲۵۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۵

راستی که پیامبر به همه آن چه گفتم با من پیمان بسته است و نیز به تباهی و نابودی تباه شدگان و رهایی یافتگان از من تعهد گرفته

است و به سرانجام تمام کارها آگاهی داده است و هر آن چه در سر می گذراندم و به فکر خود مرور می‌دادم، پاسخش را در گوشم فرو خواند و آن را به طور کامل به من رسانید و فهمانید.

در روایت دیگری آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود:

سلونی، واللّه ما تسألونی عن شیء یکون إلی یوم القیامهٔ إلّا أخبرتکم؛ «... ۱»

از من بپرسید، به خداوند سوگند! درباره هر آن چه که تا روز قیامت خواهد بود اگر از من پرسیده شود به شما پاسخ خواهم داد.

اهل بیت علیهم السلام و درهای دانش ... ص: ۵۵

خاندان پیامبر علیهم السلام همان «درها» هستند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

نحن الشعار والأصحاب والخزنهٔ والأبواب، ولا تؤتی البیوت إلّا من أبوابها، فمن أتاها من غیر أبوابها سُمّی سارقاً؛ «۲»

ما اهل بیت چون لباس نزدیک به او و یاران صمیمی پیامبر

---

(۱). فتح الباری: ۸/ ۴۵۸، تاریخ الخلفا: ۱۲۴، جامع بیان العلم: ۱/ ۱۱۴

(۲). نهج البلاغه: ۲۱۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۶

و گنجینه داران نبوّت و درهای رسالت و پیامبری هستیم و هیچ خانه‌ای را جز از درِ آن وارد نمی‌شوند، و هر که غیر از در وارد شود دزد نامیده می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

فقط جانشینان پیامبر، درهای الاهی هستند که از آن‌ها باید وارد شد و اگر آنان نبودند، هیچ گاه خداوند شناخته نمی‌شد و به وسیله آنان خداوند بر تمام آفریدگان دلیل و برهان را کامل می کند.

پیش از این نیز پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله خود را شهر دانش خواند و علی علیه السلام را دروازه آن شهر قرار داد.

تمام حافظان حدیث اهل سنّت از امیر مؤمنان علی علیه السلام این گونه نقل کرده‌اند که فرمود: پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله می‌فرماید:

أنا مدینهٔ العلم وعلیّ بابها، فمن أراد العلم فلیأت الباب؛

همانا من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در حدیث دیگری جابر گوید: پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

أنا مدینهٔ العلم وعلی بابها؛

من شهر دانش هستم و علی دروازه آن است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۵۷

ابن عباس نیز در این زمینه حدیثی را از پیامبر نقل کرده است. او می گوید: من از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله شنیدم که می‌فرمود:

أنا مدینهٔ العلم وعلیّ بابها، فمن أراد العلم فلیأت الباب؛ «۱»

من شهر علم هستم و علی دروازه آن، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در این زمینه حضرت علی علیه السلام از پیامبر این گونه نقل می کند:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

أنا دار الحکمهٔ وعلی بابها؛ «۲»

من خانه حکمت و دانایی هستم و علی دروازه آن است.

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ج ۱۰- ۱۲

(۲). تحقیق و پژوهش کامل پیرامون این حدیث در نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ج ۱۰، ص ۳۲۱ انجام یافته است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۱

بخش سوم کمالات و فضایل اهل بیت علیهم السلام ... ص: ۶۱

اهل بیت علیهم السلام ساخته خداوندگار و مردم ساخته آنان ... ص: ۶۱

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه چنین می‌نویسد:

إنّ قوماً استشهدوا فی سبیل اللَّه تعالی من المهاجرین والأنصار- ولکلّ فضل- حتّی إذا استشهد شهیدنا، قیل سیّد الشهداء ... ولولا ما نهی اللَّه عنه من تزکیهٔ المرء نفسه لذکر ذاکر فضائل جمّهٔ، تعرفها قلوب المؤمنین، ولا تمجّها آذان السامعین، فدع عنک من مالت به الرمیهٔ؛ فإنّا صنائع ربّنا والناس بعد صنائع لنا؛ «... ۱»

گروهی از مهاجران و انصار در راه خداوند شهید شدند- و هر کدام فضیلتی داشتند- تا آن که شهید ما (حضرت حمزه علیه السلام) شربت شهادت نوشید. پس به سرور و سالار شهیدان معروف شد و پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله هنگام نماز بر او شیوه خاصی را به کار برد

---

(۱). نهج البلاغه: ۳۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۲

و هفتاد تکبیر را خواند.

مگر نمی‌بینی دست مردمان بسیاری در راه خداوند بریده شد و هر کدام فضیلت و مرتبتی داشتند؛ ولی هنگامی که یکی از ما (حضرت جعفر بن ابی‌طالب علیه السلام) همانند آنان شد طیار (پرواز کننده) در بهشت و صاحب دو بال نامیده شد.

اگر خداوند از خودستایی باز نداشته بود، فضیلت‌ها و خوبی‌های فراوانی را برمی‌شمردم که دل‌های مؤمنان با آن‌ها، آشناست و در گوش شنوندگان خوش آوا. پس آن چه را که در آن سودی نیست رها کن (و آب در غربال مپیمای)؛ چرا که ما ساخته و پرداخته پروردگارمان هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرورده‌های ما هستند.

و این که ما و شما درآمیختیم و طرح خویشاوندی ریختیم، از شما دختر گرفتیم و به شما دختر دادیم و مانند همتا و برابر با شما رفتار کردیم، عزّت و سربلندی دیرین و فضیلت‌ها و سرافرازی‌های پیشین را از ما باز نمی‌دارد، در حالی که شما چنین شأن و مقامی را ندارید...

پس ما یک بار برای خویشاوندی با پیامبر، به خلافت سزاوارتریم و دیگر بار برای طاعت و فرمانبرداری (دستور پیامبر در پیروی از ما) برتریم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۳

و آن گاه که مهاجران در سقیفه بر انصار به نزدیکی با پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله دلیل آورده و پیروز شدند پس اگر موجب برتری همان است حق با ماست، نه با شما و اگر به دلیل دیگری است، پس هم‌چنان انصار برترند و ادعایشان پابرجاست.

این نامه، برتری‌هایی از اهل بیت علیهم السلام را در بر گرفته است؛ برتری‌هایی با معانی ارزشمند که دارای راز بزرگی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

إنّا صنائع ربّنا والناس بعد صنائع لنا؛

ما ساخته و پرداخته پروردگارمان هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرداخته ما هستند.

این جمله در نامه امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به شیعیان نیز آمده است، آن جا که می‌نگارد:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

عافانا اللّه وإیّاکم من الفتن ... ونحن صنائع ربّنا والخلق بعد صنائعنا؛ «... ۱»

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند ما و شما را از شر بلاها و فتنه‌ها ایمن و عافیت بدارد، و روح

---

(۱). الاحتجاج: ۲/ ۲۷۷، بحار الأنوار: ۵۳/ ۱۷۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۴

و حقیقت یقین را به ما و شما ببخشاید و ما و شما را از بدی عاقبت باز بدارد.

تردید بعضی از شما در دین به من رسیده است و از آن خبردار شده‌ام و هر دودلی و سرگردانی که درباره ولیّ امر و امامان به شما روی کند به خاطر شما، غمگین می‌شویم- نه برای خودمان- و موجب ناراحتی ما درباره شما می‌شود، نه درباره خودمان؛ زیرا خداوند همواره همراه ماست و با وجود او به غیر او نیازی نداریم و همواره حق و درستی همراه ماست. پس اگر کسی از ما عقب بماند ما را وحشت فرا نمی‌گیرد و همانا ما ساخته و پرداخته پروردگار خویشیم و تمامی مخلوقات پرورده ما هستند.

ای شیعیان دودل! شما را چه می‌شود که در شک و دودلی هستید و در سرگردانی به سر می‌برید، آیا نشنیده‌اید خداوند می‌فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللّهَ وَأَطیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی ٱلأَمْرِ مِنْکُمْ»؛ «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

---

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۵

آیا شما آثاری را که درباره امامانتان- درود و سلام بر گذشتگان و باقی ماندگان آنان باد- هست و ایجاد می‌شود به شما رسیده است، نمی‌دانید؟

آیا شما نمی‌بینید چگونه خداوند پناه‌گاه‌هایی برای شما قرار داد تا به آن‌ها پناه ببرید و علامت‌هایی که به وسیله آن‌ها هدایت شوید؛ از زمان حضرت آدم تا این که آخرین آن‌ها علیهم السلام پدیدار گشت؟! هرگاه پرچم و علامتی ناپدید گشت پرچم دیگری پدیدار شد و هر گاه ستاره‌ای خاموش شد، ستاره فروزان دیگری پدیدار شد.

در توضیح این سخن گهربار باید بگوییم که در واقع می‌فرمایند:

هیچ شخصی نعمتی بر ما ندارد، بلکه فقط خداوند بزرگ و با عظمت به ما نعمت داده است. پس بین ما و خداوند در نعمتی الاهی هیچ واسطه‌ای نیست و مردم از همه طبقات ساخته و پرداخته ما هستند. ما، بین مردم و خداوند واسطه هستیم، و ما هستیم که تمام

نعمت‌ها را به مردم فرو می‌ریزیم، و ما بندگان خدا هستیم و مردم بندگان ما هستند.

آن حضرت با این گفتار به این معنا اشاره کرده است که «و هیچ گاه کسی که نعمت از او بر مردم جاری شده است با مردم مساوی و برابر نیست».

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۶

شیخ کلینی رحمه اللّه در این زمینه روایتی را نقل کرده است که امام علیه الصلاهٔ والسلام فرمود:

إنّ اللّه خلقنا فأحسن خلقنا، وصوّرنا فأحسن صورنا، وجعلنا عینه فی عباده ولسانه الناطق فی خلقه ... وبعبادتنا عُبـد اللّه ولولانا نحن ما عُبِد اللّه؛ «۱»

همانا خداونـد ما را آفریـد پس به بهترین شـکل آفریـد و ما را به بهترین صورت پرداخت. ما را بین بنـدگانش چشم، و زبان گویای خود بین مردمـان، و دست گشـاده به رحمت و مهربانی بر بنـدگان خود، قرار داد، ما روی خداونـد هستیم که به سویش رو کننـد و بابی که به او دلالت می‌کند، از جانب او همه چیز بخشـیده و خزانه داران او در آسمان و زمین هستیم. به وسیله ما تمام درختان میوه دار می‌شود، و میوه‌ها رسیده می‌شود، و رودها روان می‌گردد و به وسیله ما خداوند باران آسمان را فرو می‌بارد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و به عبادت ماست که خداوند پرستیده می‌شود و اگر ما نبودیم هیچ گاه خداوند پرستش نمی‌شد.

کوتاه سخن این که امامان از اهل بیت علیهم السلام نعمت الاهی بر

---

(۱). الکافی: ۱/ ۱۴۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۷

تمام مخلوقات هستند و نعمت در این آیه به آنان تفسیر شده است:

«یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللّهِ ثُمَّ یُنکِرُونَهَا»؛ «۱»

نعمت الاهی را می‌شناسند سپس آن را انکار می‌کنند. «۲» در آیه دیگر «نعیم» به آن بزرگواران تفسیر شده است:

«ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ»؛ «۳»

سپس در آن روز از نعمت پرسیده خواهید شد. «۴» آری، آنان واسطه‌های بین خداوند و تمام موجودات در آفرینش، علم، روزی و دیگر الطاف و بخشش‌های الاهی و نعمت‌ها هستند.

پس خداوند کننده‌ای است که تمام هستی از اوست و امام، کننده‌ای است که هستی به سبب اوست و این همان ولایت و سرپرستی کلیّه است.

پس آیا می‌توان کسـی را از این امّت با خانـدان حضـرت محمّـد صـلی اللّه علیه وآله مقایسه کرد و سـنجید؟ و آیا می‌شود کسـی از خلایق با آنان هم‌سطح و مساوی شود؟

---

(۱). سوره نحل: آیه ۸۵

(۲). ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۳

(۳). سوره تکاثر: آیه ۸

(۴). ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۵۷۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۸

اهل بیت علیهم السلام و مقام عصمت ... ص: ۶۸

نـاآلودگی و مصونیت از گنـاه از مهم‌ترین ویژگی‌هـای بارز در هر امام و پیامبر است که بر این امر دلیل‌های فراوانی از قرآن، سنّت پیامبر و عقل بیان شده است. واضح‌ترین آیه قرآن در این باره آیه‌ای است که می‌فرماید:

«أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ»؛ «۱»

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

این آیه به گونه‌ای روشن بیـان‌گر عصـمت است؛ تـا جایی که فخر رازی و دیگر شک پردازان به دلالت آن اعتراف نموده‌انـد؛ زیرا فرمانبری از کسی که اشتباه و آلودگی در او راه دارد، به صورت همه جانبه هرگز روا و شایسته نیست.

امیر مؤمنان علی علیه السـلام گفتاری در شأن و مقام خاندان پیامبر علیهم السـلام دارد که امّت اسلامی را به پیروی و فرمانبرداری از آنان در همه حال دستور می‌دهد، آن جا که می‌فرماید:

انظروا أهل بيت نبيّكم، فالزموا سـمتهم واتّبعوا أثرهم، فلن يخرجوكم من هُـدى ولن يعيدوكم فى ردى، فإن لبدوا فالبُدوا، وإن نهضوا فانهضوا، ولا تسبقوهم فتضلّوا،

---

(۱). سوره نساء: آیه ۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۶۹

ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛ «۱»

و به اهل بیت پیامبرتان نیک بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند، حرکت نمایید و قدم جای قدمشان بگذارید، آن‌ها هرگز شما را از راه هـدایت بیرون نمی‌برنـد و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. پس هر گاه سـکوت کردند و خاموش بودند، خاموش باشـید و هر گاه برخاستند برخیزید، از آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که به نابودی و هلاکت دچار می‌شوید.

به راستی چگونه اهـل بیت علیهم السـلام پاک و مصون از اشـتباه نیسـتند در حالی که آن سان که امیر مؤمنان علی علیه السـلام خبر داده قلب و جانشان در بهشت است. آیا قلبی که در بهشت باشـد فکر اشـتباه و گناه از آن می‌گذرد تا چه رسد به اراده و انجام آن؟ آیا چنین قلبی دچار غفلت و فراموشـی و تردید و دودلی می‌شود؟ آیا این مصونیت از اشـتباه، همان سفارشی نیست که درباره لازمه امامت و مهتری است؟

آری، پیامبر صـلی اللّه علیه وآله هماننـد سفارشـی که درباره امیر مؤمنان علی علیه السـلام در سـخن سابق کرده و بعـد از خودش به امّت دسـتور داده است که از او پیروی کننـد، دربـاره عمار نیز سـفارش کرده است؛ هنگامی که او را به پیروی از حضـرت علی علیه السلام در تمام

---

(۱). نهج البلاغه: ۱۴۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۰

اتفاقات و وقایع بعد از خودش و در هر حالتی فرا خواند.

گروهی از دانشمندان بزرگ روایتی را از علقمهٔ بن قیس و اسود بن یزید نقل کرده‌اند. آن دو می‌گویند:

ابوایوب انصـاری از جنـگ صـفین بـاز گشت. مـا نزد او رفـتیم و به او گفتیم: ای ابوایوب! خداونـد تو را گرامی داشت که حضـرت محمّد صلی اللّه علیه وآله را به خانه تو نزول اجلال داد و شترش کنار خانه تو خوابید. این لطف و مرحمتی از جانب خداوند و برای بزرگـداشت تو بود، تا آن که به در خانه تو ایسـتاد و تمام مردم را رها نمود، حال تو با شمشـیر آمـده‌ای و مسـلمانان توحیدگوی را

می کشی؟

ابوایوب گفت: فلانی! هیچ گاه راهبر به مردمش دروغ نمی گوید، مسلّم است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به ما دستور داد همراه علی علیه السلام با سه گروه بجنگیم: ناکثین، قاسطین و مارقین.

ما با ناکثین که همان یاران جمل و طلحه و زبیر بودند جنگ نمودیم و آنان را کشتیم، و اینک از جنگ با قاسطین، معاویه و عمروعاص می آییم؛ مارقین که همان صاحبان درختان گز و تنه‌های درخت خرما و درختان سبز خرما و یاران نهروان هستند، به خداوند سوگند! نمی‌دانم کجا هستند؟ ولی به یقین اگر خداوند بزرگ بخواهد به جنگ با آن‌ها خواهم رفت.

آن گاه گفت: از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که به عمار

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۱

می‌فرمود:

یا عمّار! تقتلک الفئهٔ الباغیهٔ، وأنت إذ ذاک مع الحقّ والحقّ معک.

یـا عمّار بن یاسر! إن رأیت علیّاً قد سلک وادیاً وسلک الناس کلّهم وادیاً غیره، فاسلک مع علی، فإنّه لن یدلیک فی ردی، ولن یخرجک من هدی.

یا عمّار! من تقلّد سیفاً وأعان به علیّاً- رضی اللَّه عنه- علی عدوّه قلّده اللَّه یوم القیامهٔ وشاحین من درّ، ومن تقلّد سیفاً أعان به عدوّ علی- رضی اللَّه عنه- قلّده اللَّه یوم القیامهٔ وشاحین من نار؛

ای عمار! گروه ستمگر تو را خواهند کشت و تو در آن زمان همراه حق هستی و حق نیز همراه توست.

ای عمار پسر یاسر! هر گاه دیدی که علی در مسیری می‌رود و تمامی مردمان در مسیر دیگری غیر از راه علی در حرکتند پس فقط با علی همراه شو. زیرا او هیچ گاه تو را به هلاکت نمی‌اندازد و از راه درست و هدایت خارج نمی‌سازد.

ای عمار! هر که شمشیری به گردن آویزد و علی را با آن بر دشمن او یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبند زیبا از درّ بر گردن او می‌آویزد و هر که شمشیری بر گردن بگیرد و به دشمن علی یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبند آتشین بر گردن او می‌نهد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۲

ما گفتیم: ای اباایوب! بس است خداوند به تو رحمت کند، کافی است، خداوند به تو رحمت کند. «۱»

پایه‌های دین و هدایتگران مردمان ... ص: ۷۲

امیر مؤمنان علی علیه السلام خاندان محمّد علیهم السلام را این گونه توصیف فرموده است:

هم أساس الدین وعماد الیقین؛

آنان پایه استوار دین و ستون محکم یقین هستند.

این عبارت بعد از این گفتار آمده است که فرمود:

هم موضع سرّه، إلیهم یفیء الغالی وبهم یلحق التالی لا یقاس بآل محمّد علیهم السلام من هذه الامهٔ أحد؛ «۲»

آنان جایگاه اسرار خداوندی هستند، افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند، کسی از این امّت با خاندان محمّد علیهم السلام مقایسه نمی‌شود.

گویی منظور حضرت این است که به راستی کسانی که دارای این ویژگی‌ها هستند و به این فضایل و برتری‌ها رسیده‌اند همان‌ها اساس

(۱). تاریخ بغداد: ۱۳/ ۱۸۶– ۱۸۷، فرائد السمطین: ۱/ ۱۷۸، کنز العمال: ۱۲/ ۲۱۲، مناقب خوارزمی: ۷۵/ ۱۲۴، و آن چه نقل شد، طبق نقل تاریخ بغداد بود

(۲). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۳

دین و ستون یقین هستند. افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند.

امیر سخن در جای دیگری می‌فرماید:

هم دعائم الإسلام وولائج الإعتصام، بهم عاد الحقّ إلی نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته؛ «۱»

آنان ستون‌های محکم اسلام و پناه گاه‌های امید به لطف خدا هستند و به وسیله آنان حق و درستی به جایگاه خود باز می گردد و باطل از مقام خود به پایین کشیده می‌شود و زبانش از ریشه قطع می گردد.

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر خاندان پیامبر را این گونه توصیف می‌نماید:

هم أزمّة الحقّ وأعلام الدین وألسنة الصدق، فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن، ورِدُوهُم ورودَ الهیم العطاش؛ «۲»

آنان زمامداران حق و درستی، پیشوایان دین و زبان‌های راست گو و حقیقت هستند، پس همانند قرآن، آنان را به بهترین احترام و منزلگاه فرود آورید و به سان تشنگان سرگردان با اشتیاق چشم حیات به آنان رو کنید.

(۱). همان: ۳۵۷

(۲). همان: ۱۱۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۴

در این فراز والا چند عبارت قابل توضیح است:

۱. «افراط کاران و غالیان به آنان باز می گردند و عقب ماندگان به آن‌ها باید برسند».

منظور از این عبارت، یعنی که اهل بیت علیهم السلام میزان سنجش بین تندروی و کندروی در دین هستند و شاید این معنا همان معنای توصیف اهل بیت علیهم السلام باشد که در روایت آمده است که فرمودند:

ما جایگاه معتدلی هستیم که هیچ گاه افراط گران با ما نیستند و هیچ رونده‌ای از ما پیشی نمی گیرد. «۱» ۲. «آنان زمامداران حق هستند».

منظور این است همواره و در هر حال حق با آن‌هاست، هر جای که بگردند حق با آنان به چرخش درمی‌آید و همواره پیامبر گرامی صلی اللّه علیه وآله درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمودند:

علی مع الحقّ والحقّ مع علی، یدور معه حیث دار، ولن یفترقا حتی یردا علیَّ الحوض؛ «۲»

(۱). الکافی: ۱/ ۱۰۱۰

(۲). از جمله راویان این حدیث خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۱۴/ ۳۲۱، و هیثمی در مجمع الزوائد: ۷/ ۲۳۶ است

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۵

علی با حق و درستی است و حق همواره با علی است؛ هر جای که برود او همراهش هست و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در کنار حوض به نزد من خواهند رسید.

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام آن بزرگواران را به زبان گویای راستی وصف می‌کند و در واقع که آیه شریفه ذیل را به آن بزرگواران تفسیر می‌نماید، آن جا که می‌فرماید:

«وَاجْعَلْ لی لِسانَ صِدْقٍ فِی اْلآخِرینَ»؛ «۱»

و برای من در مردمان آینده زبان راستی قرار بده.

جایگاه و مقام اهل بیت ... ص: ۷۵

علیهم السلام

همانند منزلت قرآن ... ص: ۷۵

۳. «آنان را به بهترین منزلت‌ها و مقام‌های قرآنی فرود آورید».

از این عبارت دو معنا می‌توان اراده کرد:

معنای یکم: آنان را به همان جایگاه‌های نیکویی که قرآن را قرار می‌دهید- مثل اطاعت و احترام قرآن- قرار دهید.

معنای دوم: برای آنان بهترین جایگاهی را که قرآن برایشان در نظر گرفته است، قرار دهید؛ جایگاه‌هایی که شامل موارد ذیل است:

۱. ولایت. آن سان که می‌فرماید:

---

(۱). سوره شعراء: آیه ۸۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۶

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ «۱»

سرور و مهتر شما تنها خداوند و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

۲. پاکی و ناآلودگی، آن جا که می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ «۲»

خداوند می‌خواهد آلودگی را فقط از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۳. فرمانبرداری و پیروی همه جانبه، آن جا که می‌فرماید:

«أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ»؛ «۳»

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

۴. دوستی و مهرورزی، آن جا که می‌فرماید:

---

(۱). سوره مائده: آیه ۶۰

(۲). سوره احزاب: آیه ۳۳

(۳). سوره نساء: آیه ۶۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۷

«قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «۱»

بگو: از شما هیچ اجر و مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی و مهرورزی به نزدیکانم.

و مقامات و مراتب دیگری که قرآن برای خاندان پیامبر علیهم السلام برمی‌شمارد.

نکاتی مهم ... ص: ۷۷

در این گفتار چند نکته مهم را باید یادآور شویم:

۱. ماندگاری اسلام به ماندگاری اهل بیت علیهم السلام است.

دین، تا زمانی برقرار است که اهل بیت علیهم السلام باشند. پس آنان ضامن ماندگاری دین و یقین هستند و هستی این دو به آنان نیازمند است، همان گونه که ماندگاری ساختمان به ستون و پایه نیازمند است.

شاید همین معنای عبارتی باشد که فرمود: «آنان، پایه‌ها و کوه‌های دین هستند».

۲. زمین هیچ گاه از آنان خالی نخواهد بود

زیرا خداوند متعال، جاودانگی را بر دین و آیین خود نوشته است و آنان، نشان گران و پرچم‌های هدایت به سوی آن هستند.

---

(۱). سوره شوری: آیه ۲۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۸

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری می‌فرماید:

ألا إنّ مثل آل محمّد علیهم السلام کمثل نجوم السماء، إذا خوی نجم طلع نجم؛ «۱»

بدانید و آگاه باشید! خاندان محمّد علیهم السلام مانند ستارگان آسمان هستند که هر گاه ستاره‌ای افول نماید، ستاره دیگری طلوع می‌کند.

امیر سخن در سخن دیگر به روشنی درباره ماندگاری آنان تا زمانی که زمین پابرجاست سخن رانده است:

اللهم بلی، لا تخلو الأرض من قائم للّه بحجّهٔ، إمّا ظاهراً مشهوراً وإمّا خائفاً مغموراً، لئلّا تبطل حجج اللّه وبیّناته، وکم ذا، وأین اولئک؟ أُولئک- واللّه-. الأقلّون عـدداً، والأعظمون عنـد اللّه قدراً، یحفظ اللّه بهم حججه وبیّناته، حتّی یودعوها نظراءهم، ویزرعوها فی قلوب أشباههم، أولئک خلفاء اللّه فی أرضه، والدعاهٔ إلی دینه، آه آه شوقاً إلی رؤیتهم؛ «۲»

آری، زمین از کسی که حجّت برپای خداوند است، تهی نماند که یا پدیدار و شناخته شده است و یا ترسان و پنهان از دیده‌ها، تا هیچ گاه حجّت‌های خداوند باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود و اینان

---

(۱). نهج البلاغه: ۱۴۶

(۲). همان: ۲۹۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۷۹

چند نفرند و کجا جای دارند؟

به خداوند سوگند! آنان در شماره اندکند و در نزد خدا بزرگ مقدار که خداوند حجّت‌ها و نشانه‌های خود را به آنان، نگهبانی می‌کند، تا به همانندهای خویش بسپارند و در دل‌های همانندگانشان بکارند (و به آنان تحویل دهند ...) اینان جانشینان خداوند در زمین هستند و مردم را به دین راستین او فرا می‌خوانند، آه! چقدر آرزومند و مشتاق دیدار آنان هستم.

حافظ ابن حجر عسقلانی در این زمینه گوید:

«و این روایت که حضرت عیسی پشت سر یک نفر از این امّت در آخر الزمان نماز به جای می‌آورد، دلالت به نظر درست و اقوال صحیحی دارد که هیچ گاه زمین از حجّت پابرجای الاهی خالی نخواهد ماند». «۱» ۳. همواره پرسش‌ها «۲» و حرکت‌ها از آن‌ها و به سوی آن‌ها باید باشد. «۳»

---

(۱). فتح الباری: ۶/ ۳۸۵

(۲). اشاره‌ای است به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

(۳). اشاره‌ای است به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِى الدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُواْ إِلَيْهِمْ»

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۰

از این رو حضرت می‌فرماید:

مانند شتران تشنه و سرگردان که روی به آبشخور می‌نهند به آنان روی کنید.

تمامی این نکات از معانی «حدیث الثقلین» - که هر دو گروه مسلمانان به صورت همه گیر و متواتر نقل کرده‌اند- می‌تواند باشد، همان گونه به آن اشاره خواهیم کرد.

ستارگان هدایت ... ص: ۸۰

حضرت علی علیه السلام در این گفتار اهل بیت علیهم السلام را به ستارگان آسمان تشبیه کرده است. این تشبیه به حدیثی صحیح از پیامبر اشاره دارد که احمد بن حنبل و دیگر عالمان اهل سنّت روایت کرده‌اند.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهبت النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بیتی أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بیتی ذهب أهل الأرض؛ «۱»

ستارگان امان و مصونیت اهل آسمان هستند، پس هر گاه ستارگان از بین بروند، آسمانی‌ها نیز از بین می‌روند و خاندان من مصونیت

---

(۱). الصواعق المحرقه: ۱۴۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۱

و امان زمینی‌ها هستند. پس هر گاه از بین بروند تمام زمینی‌ها نیز از بین می‌روند.

جلال الدین سیوطی گوید: حاکم نیشابوری از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق، وأهل بیتی أمان لُامتی من الإختلاف، فإذا خالفتها قبیلهٔ اختلفوا، فصاروا حزب إبلیس؛ «۱»

ستارگان مصونیت زمینیان از غرق شدن هستند و اهل بیت من مصونیت امّت اسلامی از اختلاف و دو دستگی هستند، پس هر گاه گروهی با آنان مخالفت نماید دچار ناسازگاری و اختلاف می‌شوند و به حزب شیطان می‌پیوندند.

گواه این تشبیه آیه‌ای است که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِى ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»؛ «۲»

او همان است که ستارگان را برای شما آفرید تا به وسیله آن در تاریکی‌های خشکی و دریا راه بپیمایید و به درستی هدایت شوید.

(۱). احیاء المیت: حدیث ۲۹

(۲). سوره انعام: آیه ۹۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۲

در روایتی در تفسیر آیه آمده است که امام علیه السلام فرمود:

النجوم آل محمّد علیهم السلام؛ «۱»

منظور از ستارگان، خاندان محمّد علیهم السلام هستند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا ترسان دور از نظرهاست».

این سخن به حضرت مهدی از خاندان محمّد علیهم السلام اشاره دارد، همو که «خداوند زمین را به وسیله او از دادگستری و عدل پر می‌نماید، بعد از این که از جور و بیداد پر شده است».

این موضوع از مطالب روشن و ضروری است و دلیل‌های فراوان و کتاب‌های بی‌شماری درباره ایشان نگاشته شده است. «۲»

اهل بیت علیهم السلام و اقامه لوازم امامت و مهتری ... ص: ۸۲

امامان از اهل بیت علیهم السلام لوازم امامت را به خوبی برپا نمودند که همان نگهداری دین و پاسداشت و آموزش آن و نیز دعوت به سوی آن بود. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

بنا اهتدیتم فی الظلماء، وتسنّمتم ذروۀ العلیاء، وبنا أفجرتم عن السرار؛ «۳»

(۱). الصافی فی تفسیر القرآن: ۱۷۹

(۲). ر. ک: منتخب الأثر، کشف الاستار، المحجّۀ فیما نزل فی القائم الحجّۀ

(۳). نهج البلاغه: ۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۳

فقط به وسیله ما در تاریکی‌ها راهنمایی و هدایت شدید و به قله‌های خوبی و صفات نیکو راه بردید و به کمک ما از تاریکی‌ها به روشنایی راه پیمودید.

یعنی به وسیله ما از تاریکی‌های نادانی و گمراهی به روشنایی دانش و هدایت راه پیمودید و به همین معنا در جای دیگر فرموده‌اند:

بنا یستعطی الهدی ویستجلی العمی؛ «۱»

هدایت تنها به وسیله ما بخشیده می‌شود و تاریکی‌ها و کوری‌ها از بین می‌رود و روشن می گردد.

کلینی رحمه اللّه روایتی را در تفسیر آیه شریفه ذیل نقل می‌کند، آن جا که می‌فرماید:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ یَعْدِلُونَ»؛ «۲»

و از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق و راستی هدایت می‌نمایند و فقط به حقیقت راه می‌پیمایند.

حضرت فرمودند:

هم الأئمّۀ صلوات اللّه علیهم؛ «۳»

منظور از امّت (در این آیه) همان امامان علیهم السلام هستند.

(۱). همان: ۲۰۱

(۲). سوره اعراف: آیه ۱۸۱

(۳). الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۴

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمودند:

إنّ عنـد کلّ بدعـهٔ تکون من بعدی یُکاد بها الإیمان ولیّاً من أهل بیتی موکلًا به، یذبّ عنه، وینطق بإلهام من اللّه، ویعلن الحق وینوره، ویردّ کید الکائدین؛ «... ۱»

همانا نزد هر بـدعت و فتنه‌ای که ایمان و اعتقاد انسان‌ها را نزدیک است از بین ببرد، امامی از خانـدانم قرار دارد؛ در حالی که وکیل بر آن است و از حق دفاع می‌نماید و به مدد الهام الاهی به زبان می‌آید و مسیر حق را روشن و نورانی می‌نماید و مکر تمام مکّاران را باز می‌گردانند.

و چقدر مصادیق این معنا بسیار است؟!

آری، کسـانی که لبـاس خلافـت و ریـاست را به زور به تن کردنـد و بر تمـام کارها و برنامه‌های مسـلمانان چیره شدنـد، همواره در مشـکلات و سؤالات سـخت به امامان از خانـدان پیامبر مراجعه می‌کردنـد. حافظ نووی در زندگی‌نامه امیر مؤمنان علی علیه السـلام می‌نویسد:

بزرگان صحابه و یاوران پیامبر از او مسائل را می‌پرسیدند و در موقعیّت‌های بسیاری و سؤالات مشکل به فتاوای او

---

(۱). الکافی: ۱/ ۵۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۵

و گفتارش رجوع می‌کردند و از او جواب می‌خواستند و این موضوع مشهوری است. «۱»

اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حریم دین الاهی ... ص: ۸۵

هم‌چنین بزرگان اهل سنّت در زندگی‌نامه دیگر امامان از اهل بیت علیهم السلام گفته‌اند:

آنـان همواره گمراهی و تزویر افراط گران، افکـار ابطال گران، تفسـیر و معنای بی‌دلیل نادانان و شـبهات کفرورزان و ملحـدان را به صورت کامل از چهره دین الاهی می‌زدودند.

احتجاج و مناظرات اهل بیت علیهم السـلام، با مخالفان و دیـدگاه‌ها و موضع گیری‌ها روشن آنان در نگهـداری و پاسداشت دین، در کتاب‌های حدیث شناسان و تاریخ نویسان نگارش یافته است و کاملًا پیداست.

گروهی از دانشـمندان اهل سـنّت از جمله ابن حجر مکّی در الصواعق المحرقه در زندگی‌نامه امام حسن عسـکری علیه السلام چنین می‌نویسد:

هنگامی که معتمـد پسر متوکّل آن حضـرت را در زندان انداخت خشک سالی سـختی پیش آمد. پس همه مسـلمانان سه روز برای طلب باران به بیابان رفتند، ولی باران نیامد.

---

(۱). تهذیب الأسماء: ۱/ ۳۴۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۶

در این هنگام مسیحیان به همراه راهب بزرگشان به بیابان رفتند.

همین که راهب دست خود را به سوی آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد و در همان روز اول، باران بارید روز دوم نیز چنین شد. از این رو برخی از مسلمانان نادان در دین خود به شک افتاده و برخی دیگر مرتد شدند.

این وضعیت بر معتمد خلیفه وقت گران آمد. از این رو دستور داد تا امام حسن عسکری علیه السلام را حاضر کردند و گفت: امّت جدّت پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را دریاب پیش از آن که به هلاکت درافتند.

آن حضرت فرمودند: تمام یاران و شیعیان مرا از زندان آزاد کن!

معتمد همه یاران آن حضرت را آزاد کرد. هنگامی که راهب با همراهان خود به طلب باران دست به آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد.

امام به شخصی دستور داد که آن چه در دست اوست بگیرد و بیاورد.

ناگاه دیدند استخوان انسانی در دست او بود. پس از دست او آن را گرفت و به او فرمود:

حال برو و طلب باران کن!

او دستانش را به سوی آسمان بلند کرد. پس هر چه ابر در آسمان بود از بین رفت و آفتاب نمایان شد. مردم از این امر در شگفت شدند.

معتمد گفت: ای ابامحمّد! این چیست؟

حضرت فرمود: این استخوان پیامبری است که این راهب مسیحی به دست آورده است و هر گاه استخوان پیامبر زیر آسمان هویدا

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۷

شود، آسمان ابری و بارانی می‌شود.

بدین وسیله شبهه و سؤال از مردم دور شد و امام حسن عسکری علیه السلام به خانه خودشان باز گشتند. «۱» آری، این مقام و جایگاه خاندان پیامبر و این منزلت آن بزرگواران است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: - و ما نیز هم صدا با آن به تمام مسلمانان می‌گوییم-:

فأین تذهبون وأنی تؤفکون والأعلام قائمة والآیات واضحة والمنار منصوبة ...؟ ألم أعمل فیکم بالثقل الأکبر وأترک فیکم الثقل الأصغر؛ «۲»

پس به کدام سوی می‌روید! و به کدام سوی می‌شتابید! در حالی که تمام نشانه‌ها و علامت‌های هدایت برپاست و تمام آیات و جلوه‌های آن روشن است و مناره آن مشخص و پابرجاست؟

پس به کجای گمراه می‌شوید و چگونه هیچ نمی‌بینید در حالی که خاندان پیامبر بین شما هستند و آنان پیشوایان حق هستند و بزرگان دین و زبان گویای راستی و درستی هستند. پس آنان را به بهترین جایگاه‌ها و مقام‌های قرآنی فرود آورید و مانند شتران تشنه و

---

(۱). الصواعق المحرقة: ۲/ ۶۰۰

(۲). مسند احمد: ۳/ ۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۸

جگرتافته به محضر زلال آنان بشتابید ... آیا من همواره در بین شما به ثقل اکبر عمل ننمودم و ثقل اصغر را میان شما بر جای نگذاشتم؟

اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گران‌بها ... ص: ۸۸

حضرت علی علیه السلام در پایان این گفتار به «حدیث ثقلین» که به صورت متواتر از سوی شیعه و سنّی نقل شده است «۱» اشاره می‌فرمایند.

احمد بن حنبل از ابی سعید خدری این گونه روایت می‌کند:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّی قد ترکت فیکم الثقلین، أحدهما أکبر من الآخر: کتاب اللَّه عزّوجل، حبل ممدود من السماء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، ألا إنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوض؛ «۲»

من در میان شما دو بار گران بها به جای گذاشتم، یکی از آن‌ها از دیگری بزرگ‌تر است: قرآن کتاب خداوند عزّ وجل که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین و دیگری خاندان و اهل بیتم.

پس آگاه باشید! این دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا آن که کنار حوض نزد من می‌آیند.

---

(۱). درباره این حدیث از جهت سند و دلالت طی سه جلد از کتاب بزرگ نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار تحقیق و پژوهش گسترده‌ای شده است

(۲). مسند احمد: ۳/ ۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۸۹

در حدیث دیگری که ترمذی از جابر روایت کرده است، جابر گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را در روز عرفه در حال حج دیدم که بر شتر قصوای خود سوار بود و سخنرانی می‌کرد، شنیدم که می‌فرمود:

یا أیّها الناس! إنّی ترکتُ فیکم ما إن أخذتم به لن تضلّوا:

کتاب اللَّه وعترتی أهل بیتی؛ «۱»

ای مردم! من دو چیز میان شما باقی گذاشتم، هر گاه به آنان چنگ بزنید هیچ گاه گمراه نخواهید شد: قرآن و خاندان و اهل بیتم.

و نیز زید بن ارقم نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّی تارک فیکم ما إن تمسّکتم به لن تضلّوا بعدی، أحدهما أعظم من الآخر: کتاب اللَّه حبل ممدود من السماء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، ولن یتفرقا حتّی یردا علیّ الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما؛ «۲»

همانا من در میان شما چیزی به جای گذاشته‌ام که اگر به آن متمسک شوید هیچ گاه بعد از من گمراه نخواهید شد، یکی از آن‌ها از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خداوند که ریسمان کشیده شده بین آسمان تا زمین است و خاندان و اهل بیتم که هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا

---

(۱). صحیح ترمذی: ۲/ ۲۱۹

(۲). همان: ۲/ ۲۲۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۰

آن که در کنار حوض بر من وارد می‌شوند. پس نیک بنگرید و دقت نمایید چگونه بعد از من آنان را پاسداری و نگهداری می‌نمایید.

حدیث دیگری را حاکم نیشابوری از زید بن ارقم روایت کرده است. زید گوید: هنگامی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله آخرین حج خود را انجام دادند و به مدینه باز می‌گشتند در غدیر خم فرود آمدند و امر فرمودند که زیر درختان آن جا را جاروب کردند. آن گاه فرمودند:

کأنّی قد دعیت فأجبت، إنّی قد ترکت فیکم الثقلین أحدهما أکبر من الآخر: کتاب اللَّه تعالی وعترتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فإنّهما لن یتفرقا حتّی یردا علیّ الحوض؛

گویا به سوی خدا فرا خوانده شده‌ام و من نیز دعوت او را پذیرفتم.

پس من در میان شما دو چیز گران بها به جای گذاشتم، یکی از آن‌ها از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خدا قرآن و خاندانم اهل بیتم، پس نیک بنگرید چگونه بعد از من از آن‌ها پاسداری می‌نمایید، پس آن دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا آن که نزد حوض بر من حاضر شوند.

آن گاه فرمودند:

اللَّه عزّوجلّ مولای، وأنا مولی کلّ مؤمن؛

خداوند عز وجل سرور و مولای من است و من سرور و مولای تمام مؤمنان هستم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۱

سپس دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند:

هر که من سرور و مولای او هستم، پس این (علی) مولا و سرور اوست. خداوندا! هر آن که او را سرور و مولا قرار دهد، سرپرستی کن و هر که با او دشمنی ورزد، با او دشمن باش!

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث بنابر مبنای بخاری و مسلم صحیح است. «۱»

اهل بیت علیهم السلام و پرچم‌های برافراشته حق ... ص: ۹۱

«اهل بیت علیهم السلام پرچم حق هستند هر کس از آنان پیش بیافتد از دین خارج شده است و هر کس از آنان سرپیچی کند گمراه گشته است».

منظور از چنگ انداختن به خاندان پیامبر، همان پیروی و سرسپردگی به دستورات آن‌ها و راه یابی به هدایت آنان و آموختن از آن بزرگواران است و از این رو هر که از آنان پیشی گیرد، گمراه می‌شود و هر که عقب بماند به هلاکت می‌افتد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

لا تسبقوهم فتضلّوا ولا تتأخروا عنهم فتهلکوا؛ «۲»

هیچ گاه از آنان پیشی نگیرید؛ زیرا گمراه می‌شوید و هیچ گاه از آنان عقب نیفتید، پس نگون بخت و هلاک می‌شوید.

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۹

(۲). نهج البلاغه: ۱۴۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۲

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگر در توصیف اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

وخلّف فینا رایهٔ الحق، من تقدّمها مرق، ومن تخلّف عنها زهق، ومن لزمها لحق؛ «۱»

و در میان ما پرچم برافراشته حق را به ارث گذاشت، که هر کس از آن پیشی بگیرد از دین خارج می‌شود و هر که از آن روی

گردان شود به هلاکت می‌رسد و هر کس ملازم آن باشد، به ما خواهد پیوست.

البته پیش از این پیامبر صلی اللَّه علیه وآله امّت را در پیشی گرفتن و عقب افتادن از اهل بیت علیهم السلام باز داشته بود. پس در هر دو جهت، گمراهی و هلاکت است که این دو جهت در برخی از جملات و نقل‌های «حدیث ثقلین» آمده است.

در سخن دیگری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله خاندانش را به کشتی نوح علیه السلام تشبیه فرموده است. «۲» در این زمینه احمد بن حنبل روایتی را از ابوذر چنین نقل می‌کند:

ابوذر در حالی که دست در درگاه کعبه داشت گفت: از

---

(۱). همان: ۱۴۶

(۲). گفتنی است که درباره حدیث سفینه در کتاب نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار مفصل‌بحث کرده‌ایم

پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که می‌فرمود:

ألا إنّ مثل أهل بیتی فیکم مثل سفینهٔ نوح، من رکبها نجا، ومن تخلّف عنها هلك؛ «۱»

بدانید و آگاه باشید! خاندان من در میان شما همانند کشتی نوح هستند هر که سوار آن شود، نجات پیدا می‌کند و هر که روی گردان شود به هلاکت و نگون بختی می‌رسد.

ابن حجر مکّی درباره «حدیث سفینه» می‌گوید:

این حدیث با سندهای متعددی نقل شده که برخی از اسناد، برخی دیگر را تقویت می‌نماید که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّما مثل أهل بیتی کمثل سفینهٔ نوح، من رکبها نجا؛

همانا خاندان من مانند کشتی نوح هستند، هر که بر آن سوار شود، نجات می‌یابد.

در روایت مسلم آمده است:

...ومن تخلّف عنها غرق؛

و هر که از آن روی گردان شود، غرق می‌گردد.

و در روایتی دیگر آمده است: هلاك می‌گردد. «۲»

---

(۱). المشکات: ۵۲۳

(۲). الصواعق المحرقه: ۲۳۴

اهل بیت علیهم السلام و حق سروری و مهتری ... ص: ۹۴

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

ولهم خصائص حق الولایهٔ وفیهم الوصیّهٔ والوراثهٔ؛ «۱»

ویژگی‌های خاصی تنها در آنان است: حق سروری و ولایت و وصیّت و وراثت پیامبر نیز در میان آن‌هاست.

یعنی امامت شرایط و ویژگی‌هایی دارد که در غیر آنان وجود ندارد که به سه ویژگی مهم اشاره می‌نماییم:

۱. عصمت

روشن شد که در امّت اسلامی بعد از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه وآله جز اهل بیت علیهم السلام هیچ معصومی وجود ندارد.

۲. علم و دانش

هم‌چنین روشن شد که آنان جایگاه دانش الاهی هستند و تمامی مردم در این موضوع از آنان بهره می گیرند.

۳. وصیت و وراثت

هیچ کس در این مطلب اختلافی ندارد که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام وصی پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه وآله بود.

---

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۵

در این زمینه روایت‌های بسیار زیادی نقل شده است.

پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله از آغاز رسالت آن را اعلام کرده است؛ در حدیث دار و در «یوم الانذار» آمده است که آن حضرت به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود:

إنّ هذا أخي ووصيّي وخليفتي فيكم؛

همانا این (علی بن ابی‌طالب) برادرم و وصی من و جانشین من در میان شماست.

البته امامان بعد از او نیز یکی پس از دیگری وصی هستند.

آنان میراث دار پیامبرند؛ در جانشینی و سروری، دانش و دارایی.

در این زمینه درباره امام علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است تا جایی که اقرار برخی از یاران پیامبر را نیز روایت کرده‌اند.

در روایتی آمده است: از قثم بن عباس پرسیدند: چگونه علی از پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله ارث می‌برد، ولی شما ارث نمی‌برید؟ پاسخ داد: زیرا او نخستین فرد از ماست که به پیامبر پیوست و از همه ما بیشتر همراه او بود. «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر درباره حدیث وصیّت و میراث داری، با سندهای اهل سنّت ر. ك جلد سوم کتاب تشیید المراجعات وتفنید المکابرات از همین نگارنده

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۶

اهل بیت علیهم السلام و شایستگان سروری و امامت ... ص: ۹۶

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

إنّ أحق الناس بهذا الأمر أقواهم عليه وأعلمهم بأمر اللّٰه فيه، فإن شغب شاغب استعتب، فإن أبى قوتل؛ «۱»

همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و مهتری کسی است که قوی‌ترین آن‌ها بر آن و داناترین آنان به دستورات الاهی باشد. پس اگر گمراه کننده‌ای از نادانی هیاهو کند سرزنش می‌شود و اگر سر باز زند با او به جنگ و کارزار می‌پردازند.

بنابرآن چه گذشت دانستی که چه کسی قوی‌ترین فرد بر خلافت و داناترین آنان به دستورات الاهی و نیز نزدیک‌ترین آنان به پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله است؟ امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

فنحن مرّة أولى بالقرابة وتارة أولى بالطاعة؛ «۲»

پس ما از جانبی به جهت خویشاوندی و نزدیکی به پیامبر برتریم و از جانبی به جهت پیروی از آن حضرت والاتریم.

و در جای دیگری می گوید:

أمّا الإستبداد علينا بهذا المقام- ونحن الأعلون نسباً

---

(۱). نهج البلاغه: ۲۴۷

(۲). همان: ۳۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۷

والأشدّون برسول اللَّه صلّى اللَّه عليه وآله نوطاً- فإنها كانت أثرة، سخت عليها نفوس قوم، وسخت عنها نفوس آخرين، والحكم اللَّه والمعود إليه القيامة؛ «۱»

آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت و مهتری، بر ما تحمیل شد؛ در حالی که ما را نسبت برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله استوارتر بود، جز خودخواهی و انحصارطلبی چیز دیگری نبود که گروهی آزمندانه به مسند خلافت و سروری چنگ زده و چسبیدند و گروهی دیگر سخاوتمندانه از آن دست کشیدند، و داور واقعی و تنها دادگر خداوند است و روز واپسین تنها جای بازگشت به اوست.

خطبه شقشقیه ... ص: ۹۷

امیر مؤمنان علی علیه السلام شایستگی خویش را به خلافت به صراحت و آشکارا در خطبه مشهوری به نام خطبه شقشقیه بیان فرموده است. آن جا که می‌فرماید:

آگاه باشید به خدا سوگند! پسر ابوقحافه (ابابکر)، جامه خلافت را به زور بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به خلافت و

---

(۱). همان: ۲۳۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۸

جانشینی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها، به بلندای ارزش من نمی‌توانند پرواز کنند. پس من ردای خلافت را رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره‌گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که به وجود آورده‌اند، صبر پیشه سازم (؛ صبری) که پیران را فرسوده کند و جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا روز قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد.

پس از ارزیابی درست؛ صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم، پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند تا این که اوّلی به راه خود رفت و خلافت را بعد از خود به پسر خطّاب سپرد.

آن گاه حضرت علی علیه السلام به شعری از اعشی مثل زد و فرمود:

شتّان ما یومی علی کورها ویوم حیّان أخی جابر؛

مرا با برادر جابر- حیّان- چه شباهتی است؟ من همه روز را در گرمای سوزان کار کردم و او راحت و آسوده در خانه بود.

سپس حضرتش به رفتار ابوبکر اشاره می‌کند و با شگفتی می‌فرماید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۹۹

شگفتا! ابابکر که در دوران حیات خود از مردم می‌خواست عـذرش را بپذیرنـد، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقـد دیگری درآورد؟! هر دو از شتر خلافت سـخت دوشـیدند و از حاصل آن بهره‌مند گردیدند. سرانجام اوّلی حکومت را به راهی درآورد و به دست کسـی (عمر) سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سـخت‌گیری، اشـتباه و پوزش‌طلبی بود. زمامـدارماننـد کسـی بود که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه، سقوط می‌کند.

سوگنـد به خـدا! مردم در حکومت دومی، در ناراحتی و رنـج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دورویی‌ها و اعتراض‌ها شدند و من در این مدت طولانی محنت‌زا و عذاب آور، چاره‌ای جز شکیبایی نداشتم تا آن که روزگار او نیز سپری شد.

حضرت علی علیه السلام در فراز دیگر این خطبه به چگونگی شکل‌گیری شورای عمر می‌پردازد و می‌فرماید:

سپس عمر خلافت را در گروهی قرار داد که پنـداشت من همسـنگ آنـان هستم. پنـاه بر خـدا! از این شورا! در کـدام زمان درباره صلاحیت من شک و تردیـد شـد و مرا با شـخص اوّلینشان هم‌سـنگ انگاشـتند؟ تا امروز با اعضای شورا برابر شوم که هم اکنون مرا مانند آنان پندارند و در صف آنها قرارم دهند؟ ناچار باز هم کوتاه آمدم و با آنان

هماهنگ گردیدم.

یکی از آن‌ها به خـاطر کینه‌ای که از من داشت از من روی برتـافت و دیگری، دامـادش را بر حقیقت، برتری داد و آن دو نفر دیگر کـه زشـت اسـت آوردن نامشـان. تـا آن کـه سـومی به خلافت رسـید، دو پهلـویش از پرخـوری بـاد کرده؛ همیشه بین آشپزخـانه و دسـتشویی سـرگردان بود و خویشاوندان پدری او از امویان به پا خواسـتند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند؛ چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد.

سپس به چگونگی بیعت مردم با حضرتش اشاره می‌کند و می‌فرماید:

عثمان آن قدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت و شکم باره‌گی او نابودش ساخت. روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پرپشت کفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند تا آن که نزدیک بود حسن و حسـین (علیهما السلام) را لگدمال کنند و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله‌های انبوه گوسـفند مرا در میان گرفتند، امّا آن گاه که به پا خاسـتم و خلافت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکسـتند، گروهی از اطاعتِ من سـرباز زده و از دین خارج شدنـد و برخی از اطاعات حق سر برتافتند. گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید:

«تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذینَ لایُریدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلا فَسادًا وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقینَ»؛ «۱»

سرای آخرت را برای کسانی برمی‌گزینیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آنِ پرهیزکاران است.

آری، به خـدا سوگنـد! آن را خوب شـنیده و حفـظ کرده بودنـد؛ امّا دنیا در دیـده آن‌ها زیبا نمود، و زیور آن، چشم‌هایشان را خیره کرد.

سوگنـد بـه خـدایی کـه دانـه را شـکافت و جـان را آفریـد! اگر حضـور فراوان بیعت کننـدگان نبـود و یـاران، حجّت را بر من تمـام نمی‌کردنـد، و اگر خداونـد از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شـکم باره‌گی سـتمگران و گرسـنگی مظلومان سـکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سـیراب می‌کردم، آن گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است.

راویان گویند: هنگامی که خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام به این جا رسید، مردی از دهات عراق برخاست و نامه‌ای به دست امام علیه السـلام داد، آن حضرت نامه را مطالعه فرمود، ابن عباس گفت: ای امیر مؤمنان! چه خوب بود سخن را از همان جا که قطع شد،

آغاز می کردید.

امام علیه السلام فرمود:

---

(۱). سوره قصص: آیه ۸۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۲

هیهات یابن عبّاس! تلک شقشقهٔ هدرت ثمّ قرّت؛

هرگز! ای پسر عباس! این شعله‌ای از آتش دل بود، زبانه کشید و فرو نشست.

ابن عباس گوید: به خدا سوگند! بر هیچ گفتاری مانند قطع شدن سخن امام علیه السلام این گونه اندوهناک نشدم که امام نتوانست تا آن جا که دوست دارد به سخن ادامه دهد.

و هنگامی که خلافت به او رسید و حق به او بازگشت فرمود:

الآن إذ رجع إلی أهله ونقل إلی منتقله؛ «۱»

الآن حق به صاحبش داده شد و به جایگاه واقعی خود منتقل گشت.

مرگ با شناخت آنان شهادت است ... ص: ۱۰۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفهٔ حق ربّه وحقّ رسوله وأهل بیته مات شهیداً، ووقع أجره علی اللَّه، واستوجب ثواب ما نوی من صالح عمله، وقامت النیّهٔ مقام إصلاته لسیفه، فإنّ لکل شیء مدّهٔ وأجلًا؛ «۲»

هر کس در حالت عادی و بر رختخواب خویش بمیرد در حالی که

---

(۱). نهج البلاغه: ۴۷

(۲). همان: ۲۸۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۳

شناخت کامل شایسته از پروردگار و پیامبر و خاندان او داشته باشد، به یقین شهید از دنیا رفته است و پاداش و مزد او بر خداوند خواهد بود و هر آن چه نیت خوبی نموده است به جای عمل او به حساب می‌آید، و همان نیت و انگیزه او، مانند آخته نمودن شمشیرش به حساب می‌آید. پس برای هر چیزی اندازه و مدتی است.

هر چند این روایت در مورد حضرت مهدی علیه السلام است؛ ولی فقط در خصوص ایشان نیست؛ بلکه این نتیجه و اثر درباره شناخت واقعی اهل بیت و خاندان پیامبر در هر زمان باشد، وجود دارد.

و از این روست که حضرت علیه السلام می‌فرمایند:

ناصرنا ومحبّنا ینتظر الرحمهٔ وعدوّنا ومبغضنا ینتظر السطوهٔ؛ «۱»

یاری‌گر و دوست‌دار ما همواره منتظر مهربانی و رحمت الاهی است و دشمن کینه‌توز ما همواره منتظر عقوبت و گرفتاری.

در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

إنّ اللَّه عزّوجلّ نصب علیّاً علماً بینه وبین خلقه، فمن عرفه کان مؤمناً ومن أنکره کان کافراً ومن جهله کان ضالّاً، ومن نصب معه شیئاً کان مشرکاً، ومن جاء بولایته دخل الجنّهٔ؛ «۲»

همانا خداوند متعال علی را به عنوان پرچمی بین خود و بندگانش

(۱). نهج البلاغه: ۱۶۲

(۲). الکافی: ۱/ ۴۳۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۴

قرار داد، پس هر که او را بشناسد باایمان است، هر که او را انکار نماید کافر است، هر که او را نشناسد گمراه است، هر که همراه او چیز دیگری را قرار دهد، همانا مشرک است و هر که ولایت او را داشته باشد، همانا داخل بهشت می‌شود.

در این معنا روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام صلی اللَّه علیه وآله وارد شده است که به روایت جاراللَّه زمخشری بسنده می‌نماییم؛ همان که رازی آن را در تفسیرش این گونه آورده است:

صاحب کشاف از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله این گونه نقل کرده است که حضرت فرمود:

من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات مغفوراً له.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات تائباً.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات مؤمناً مستکمل الإیمان.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد بشّره ملك الموت بالجنّة ثمّ منکر ونکیر.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد یزفّ إلی الجنّة کما تزفّ العروس إلی بیت زوجها.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد فتح له فی قبره بابان إلی الجنّة.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد جعل اللَّه قبره مزار ملائکة الرحمة.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۵

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات علی السنّة والجماعة.

ألا ومن مات علی بغض آل محمّد جاء یوم القیامة مکتوباً بین عینیه: آیس من رحمة اللَّه.

ألا ومن مات علی بغض آل محمّد مات کافراً.

ألا ومن مات علی بغض آل محمّد لم یشمّ رائحة الجنّة؛ «۱»

هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، بخشیده شده از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، با توبه کامل از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، باایمان کامل و مؤمن از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ او را به بهشت نوید می‌دهد، سپس دو فرشته سؤال و جواب (منکر و نکیر) سراغ او آیند.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، به سوی بهشت می‌رود؛ همان گونه که عروس را با احترام و شادمانی به خانه شوهر می‌برند.

(۱). تفسیر رازی: ۲۷/ ۱۶۵- ۱۶۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۶

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، خداوند در قبر او دو در به سوی بهشت باز می‌نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه فرشتگان رحمت خود می‌نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، بر دین واقعی و سنّت پیامبر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمّد بمیرد، روز قیامت او را می‌آورند؛ در حالی که بین دو چشمش نوشته شده است: این شخص ناامید از رحمت و عطوفت خداوند.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمّد بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمّد بمیرد، هیچ گاه بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد.

ما نیز می‌گوییم:

خداوندا! ما را بر پیروی از محمّد و خاندان محمّد زنده بدار، و بر شناخت و دوستی آنان بمیران، و ما را در گروه آنان محشور بدار، و شفاعت آنان را روزی ما قرار بده و به هر آن چه که آنان را توفیق داده‌ای، توفیقمان ده، همانا تو شنوا وپذیرا هستی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۷

کتابنامه ... ص: ۱۰۷

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

الف

۳. الاحتجاج: ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان.

۴. احیاء المیت بفضائل أهل البیت: جلال الدین سیوطی، دار الثقلین، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۵. الإستیعاب فی معرفهٔ الأصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ب

۶. بحار الأنوار: محمّد باقر مجلسی، دار الإحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳.

ت

۷. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۸. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۸

۹. تذکرهٔ الخواص: سبط بن جوزی، مؤسّسه اهل البیت علیهم السلام، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۱.

۱۰. تشیید المراجعات وتفنید المکابرات: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۲۷.

۱۱. تفسیر فخر رازی (تفسیر الکبیر): فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۲. تهذیب الأسماء واللغات: نَوَوی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ج

۱۳. جامع بیان العلم وفضله: ابن عبدالبرّ، دار ابن الجوزی، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

ح

۱۴. حلیهٔ الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

ذ

۱۵. ذخیرهٔ المآل: احمد بن عبدالقادر عجیلی شافعی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۰۹

ر

۱۶. الریاض النّضره: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

ص

۱۷. الصافی فی تفسیر القرآن: مولا محسن فیض کاشانی.

۱۸. صحیح بُخاری: محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۱۹. صحیح تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۲۰. الصّواعق المُحرقه: احمد بن محمّد بن محمّد بن علی بن حجر هیتمی مکّی، تحقیق عبدالرحمان بن عبداللَّه ترکی و کامل محمّد خرّاط، مؤسسه رسالت، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

ف

۲۱. فتح الباری فی شرح صحیح البُخاری: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العلمیّهٔ، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

۲۲. فرائد السّمطین: ابراهیم بن محمّد حموئی جوینی خراسانی، مؤسسه محمودی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۳۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۱۰

۲۳. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۲۴. الکافی: محمّد بن یعقوب کلینی رحمه اللَّه، دار صعب، دار التعارف، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱.

۲۵. کشف الاستار عن زوائد البزّار: حافظ هیثمی.

۲۶. کفایهٔ الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب علیهما السلام: محمّد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، سال ۱۳۹۰.

۲۷. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۲۸. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۹. المحجّهٔ فیما نزل فی القائم الحجّهٔ: سید هاشم بحرانی.

۳۰. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۱. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل‌بیت‌درنهج‌البلاغه، ص: ۱۱۱

۳۲. المشکات: ابوعبداللَّه محمّد بن عبداللَّه خطیب تبریزی.

۳۳. المناقب خوارزمی: خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۳۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر: لطف اللَّه صافی گلپایگانی.

۳۵. منهاج البراعهٔ فی شرح نهج البلاغه: سید حبیب اللَّه موسوی خوئی.

ن

۳۶. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

و

۳۷. وسائل الشیعه: شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۰۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹